

## سقف پرونده قتل‌های زنجیره‌ای از قبل زده شده بود

● فلاحیان بازجویی شد و دری نجف آبادی حکم تبرئه گرفت

● خانواده قربانیان قتل‌ها: «دادگاه صلاحیت نداشت»

سرنوشت پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به کجا رسید. آیا با صدور حکم متهمان از سوی قاضی عقیقی رئیس شعبه پنجم دادگاه نظامی تهران، پرونده قتل‌های زنجیره‌ای بسته شد. آیا افکار عمومی از نظام قضایی جمهوری اسلامی که در آن بنا به گفته صریح مروی، معاون اول رئیس قوه قضائیه، قاضی در قضاوت استقلالی ندارد و باید تابع نظر ولی فقیه باشد، افکار عمومی انتظار دیگری داشت. اگر از طرف ولی فقیه مقتولان بارها دشمن جمهوری اسلامی خوانده شوند، دادگاه با متهمان به قتل این «دشمنان» چه برخوردی می‌تواند داشته باشد. آیا خاتمه‌ای صراحتاً نگفته است که «دارپوش فروهر دشمن ما بود». از نظر عقیقی، قاضی پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، با صدور حکم متهمان پرونده بسته شد.

البته راه برای دادگاه تجدیدنظر باز است. اما قابل پیش‌بینی است که دادگاه تجدیدنظر و هر دادگاه دیگری که فاقد صلاحیت و غیرقابل پذیرش برای افکار عمومی باشد، به پرونده رسیدگی کند نمی‌تواند در حکم قاضی عقیقی تغییری ایجاد کند. به بیان ناصر زرافشان، وکیل پیشین خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای که در آستانه تشکیل دادگاه و به دلیل اعتراض به صلاحیت دادگاه و حذف اعترافات سعید امامی از پرونده، دستگیر شد، «سقف پرونده قتل‌های زنجیره‌ای از قبل زده شده بود».

ناصر زرافشان: سقف پرونده قتل‌ها را از قبل زده بودند

بنابه نوشته نشریه ایسترن تی اچ‌آر روز، ناصر زرافشان در مصاحبه با رادیو آزادی در پاسخ

به این سخنان قاضی دادگاه گفته بود برای صدور احکام فشار بر او وارد نیامده است، اظهار کرد: بده طبیعی است که به آقای رئیس دادگاه فشاری در مورد رای وارد نشده باشد و ایشان مستقلاً عمل کرده باشند. زیرا در محدوده کار ریاست دادگاه دیگر نیازی به فشار آوردن نبود، پرونده قبل از این که به این مرحله و به دادگاه برسد، سقش را زده بودند. کاری که از دادگاه خواسته‌اند این بوده که مثل یک ماشین انطباق ماده با مورد حکم قانونی، آن موردی را که در پرونده درج کرده و به دادگاه فرستاده‌اند، و فقط حکم قانونی آن موارد را پیدا و صادر کند.

زرافشان افزود: مشکل اصلی پرونده این است که این آقای رئیس دادگاه روحش هم از آن اطلاع ندارد، زیرا تحقیقات که توسط ایشان صورت نگرفته است. تحقیقات را حدود ۲۰ ماه پیش از این که این پرونده را به دادگاه بفرستند، دستگاه تحقیق صورت داد و همان‌طور که همه اطلاع دارند، دو سه تیم مختلف در طول این بیست ماه عهده‌دار تحقیقات بودند که نتیجه آن تحقیقات آنها هم در این بیست ماه با هم نمی‌خواند. جناح‌های سیاسی مختلف و مسئولین بلندپایه گوناگون هم طرح‌های متفاوت، نظرات متفاوت و مواضع متفاوت داشتند. سرانجام آنها که قدرتشان بیشتر بود مرز را مشخص کردند.

زرافشان در ادامه گفتگو اظهار کرد: اول صحبت بود که تحقیقات از سعید امامی بالاتر

نرود، بعد سعید امامی را هم حذف کردند و تصمیم گرفته شد از مصطفی کاظمی بالاتر نرود و از آذرماه ۷۷ عقب‌تر نرود. پرونده‌ای که به دادگاه آمد و مطرح شد و حالا رویش رای صادر کرده‌اند، پرونده‌ای است که از مصطفی کاظمی بالاتر نرفته، یعنی بالاتر از کاظمی حذف شده است. خود سعید امامی و تحقیقات او هم دیگر توی این پرونده نیست. به هرحال از کاظمی بالاتر و از آذر ۷۷ عقب‌تر نرفتند و یک پرونده‌ای حول و حوش همان ۴ نفر مقتولین آذرماه سال ۷۷ ادامه در صفحه ۲



جمع‌وجور شد و به دادگاه آمد. زرافشان افزود: بنابراین پرونده‌ای که به این کیفیت به دادگاه رسید، دیگر احتیاجی به فشار و احتیاجی به این که دخالتی در آن صورت بگیرد، نبود. برای این که آنچه باید بشود در مورد شده بود. زرافشان در مورد احتمال تجدیدنظر در احکام صادر از طرف قاضی عقیقی، گفت: این پرونده سقش زده شده و به جانی نمی‌رسد.

انتشار جزوه ۸۰ صفحه‌ای در حالی که قوه قضائیه و وزارت اطلاعات تلاش

یاد آن گردان گرامی باد!

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سی‌امین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق خجسته باد!

در صفحه ۸

نامه سرگشاده هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به «جبهه مشارکت ایران اسلامی»

در صفحه ۳

مسائل اجتماعی

۵۰۰۰ کشته

۵۰۰۰ اعدام

۲۵۰۰ شهید

۲ میلیون معتاد

در صفحه ۴

مسائل زنان

خانه امن کجاست؟

زنان و توسعه

زنان و اشتغال

در صفحه ۵

جنبش دانشجویی تهران در سال‌های ۴۲-۵۲ مهدی فتاپور

در صفحه ۶

اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رئوس برنامه پیشنهادی ما برای انتخابات ریاست جمهوری

در صفحه ۲

## افزایش وقوع جرم، کاهش سن مجرمان

روزنامه‌ها را ورق بزنید تا هر روز از اخبار جرایم آگاه شوید. اخباری که به گفته کارشناسان اجتماعی شده است. آنچه کارشناسان امر را نگران کرده این است که تنوع این آسیب‌ها در نزد کودکان بیشتر شده و سن افراد آسیب‌دیده در کشور کاهش یافته است.

یک آمار رسمی نشان می‌دهد در سال گذشته در کل کشور سه هزار و ۹۱۶ مورد قتل عمد رخ داده است که به ازای هر یک صد هزار نفر ۶۱۶ نفر مرتکب قتل عمد شده‌اند و بطور میانگین در ایران ۱۱ مورد قتل عمد واقع می‌شود.

ایران در بین ۶۰ کشور جهان که بالاترین شیوع را داشته‌اند دارای جایگاه سی‌وسوم است. فقط کافی است صفحات حوادث

## توقیف هفته‌نامه حدیث قزوین

هفته‌نامه «حدیث قزوین» توقیف شد و نقی افشاری مدیر مسئول این هفته‌نامه بازداشت گردید.

قاضی طاهری رئیس شعبه هشتم دادگاه، شنبه، هشتم بهمن‌ماه هفته‌نامه حدیث قزوین را به اتهام توهین، افترا و تشویش اذهان عمومی و طبق بند ۳ ماده ۱۳۲ قانون آئین دادگاه‌های عمومی توقیف و مدیر مسئول آن را روانه زندان کرد. به گفته این قاضی، اولین جلسه دادگاه «حدیث» بهار سال ۱۳۸۰ برگزار خواهد شد و سازمان برگزاری دادگاه و تصمیم‌گیری نهایی، این هفته‌نامه اجازه انتشار ندارد.

محسن افشاری برادر مدیر مسئول هفته‌نامه حدیث قزوین، هفته گذشته طی گفتگویی که با خبرگزاری ایرنا، انجام داد اعلام داشت قاضی طاهری با قرار بیست میلیون ریال کفالت برادرش نقی افشاری را موقتاً آزاد کرد.

جشن سی‌امین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائی را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

برنامه سیاسی شروع از ساعت ۱۶:

- سخنرانی میهمانانی از سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون - گفتگو و سخنرانی مسئولین سازمان:

رئیس هیات مدیران: علی پورنقی؛ جنبش دمکراسی و حقوق زنان: شهلا فرید؛ مجید عبدالرحیم‌پور؛

برنامه‌های هنری از ساعت ۱۹:

ویگن در پنجاهمین سال فعالیت هنری برنامه ویژه جوانان

ژاله اسکندر لیلیا شریف‌اوا هنرمند معروف کشور آذربایجان

مکان: آلمان - بن زمان: ۱۶ اسفند ۱۳۷۹ (۲۴ فوریه ۲۰۰۱) ورویدی: بزرگسالان ۳۰ مارک نوجوانان ۲۰ مارک

53225 Bonn سادات برتری جشن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## سرمقاله پرونده قتل‌های زنجیره‌ای مفتوح است

بیش از دو سال طول کشید تا جمهوری اسلامی توانست به خیال خود پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را ببندد. وزیر اطلاعات رژیم اظهار خشنودی کرده است که قضیه تمام شد. خاتمی رئیس‌جمهور نیز در روز ۱۶ آذر گفته بود با رسیدگی به پرونده در دادگاه، ماجرا تمام خواهد شد. سران رژیم به هم تبریک می‌گویند که توانسته‌اند با کمترین خسارت برای دستگاه امنیتی خود و کل حکومت، قضیه را فیصله دهند. کسی از عوامل حکومت به خاطر کشتن «غیرخودی‌ها» اعدام نخواهد شد. دو نفر به عنوان آمرین قتل محکوم شده‌اند و دیگر در حکومت کسی از سعید امامی که حلقه واسط این دو نفر و مقامات بالاتر بوده است، نام نمی‌برد. اکبر گنجی و عمادالدین باقی، روزنامه‌نگارانی که می‌خواستند پروتی از حقیقت بر زوایای تاریک پرونده و از جمله دخالت فلاحیان و دری نجف‌آبادی و وزرای اطلاعات سابق و اسبق در این جنایات بسپارند، در زندانند و با دیدن سرنوشت آنان، کمتر کسی جرأت می‌کند قضا یا را دنبال کند.

قتل‌های پائیز ۱۳۷۷ زمانی اتفاق افتاد که خاتمی هنوز مایل بود با اتکا به رأی ۲۰ میلیونی مردم در دوم خرداد و افکار عمومی، موقعیت خود را در برابر رقبای خود در حکومت تحکیم کند. او به مردم وعده‌گشایی داده بود، و بدیهی بود که قتل‌هایی فجیع، آنگونه که در پائیز ۷۷ روی داد، با رد پائی چنان آشکار از عوامل وزارت اطلاعات، کل برنامه و شعارهای خاتمی را زیر سؤال می‌برد. خاتمی گفته بود امنیت شهروندان را تأمین خواهد کرد و اکنون افراد تحت مسئولیت وزیر کابینه او، آنچنان با سببیت شهروندان را به قتل رسانده بودند.

در پائیز و زمستان ۷۷، خاتمی می‌توانست انتخابی را که شش ماه بعد، در جریان تظاهرات دانشجویان عیان کرد، قطعی کند و به تکرار همان حرف‌های خاتمه‌ای دایر بر اینکه سر نخ قتل‌ها در خارج است، بپردازد. اما رئیس‌جمهور، چنین نکرد و عملاً در برابر رهبر جمهوری اسلامی ایستاد. سه نفر به دستور خاتمی پرونده را پیگیری کردند و آشکار شد که کانون جنایت در وزارت اطلاعات است. دستگاه سرکوب ولایت فقیه دچار شدیدترین بحران حیات خود شد.

مروری بر رویدادهای دو سال پیش، پاسخ به کسانی خواهد داد که بی عملی و کرش کنونی خاتمی در برابر محافظه کاران را با این بهانه که وی ادامه در صفحه ۲

در این شماره باز هم سخنی با رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان اسلامی

مجدد عبدالرحیم‌پور در صفحه ۱۰

اقتصاد سیاسی قرن بیستم

سعید امین در صفحه ۱۲

## یادداشت خطر انفجار سیاسی روز به روز سنگین تر می شود

● محافظه کاران بر طبل کشتار و خونریزی می‌کوبند

از سخنان آیت‌الله خزعلی، مصباح یزدی و نامۀ شاهرودی، رئیس قوه قضائیه به نمایندگان مجلس، پاسخ علیزاده رئیس دادگستری تهران به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورا، بوی خشونت و خون می‌آید. از محتوای نامۀ شاهرودی می‌توان تشخیص داد که این نامه اعلان جنگ رسمی از سوه قوه قضائیه به مجلس است. در این رویارویی کدام یک از این دو نهاد پیروز از میدان به در خواهد آمد؟ قوه قضائیه که یک نهاد انتصابی وابسته به ولایت فقیه است یا مجلس که شورای نگهبان آن را از ابزار قانونی خلع سلاح کرده است. اگر مجلس در برابر قوه قضائیه که بعد از سرکوب دانشجویان و تعطیلی مطبوعات اکنون سرگرم زمینه‌سازی برای محاکمه نمایندگان است، یک گام پس بگذارد، محافظه کاران گستاخ‌تر از پیش گام‌های بلندتری را برای تسخیر سنگرهای که از دست داده‌اند برخواهند داشت. اما پرسش آن است که آیا زور آزمائی قوه قضائیه با مجلس آن‌طور که محافظه کاران می‌پندارند یک زور آزمائی کنترل شده خواهد ماند یا آن که احتمال دارد خشم مردم را برانگیزد و در تداوم خود با توجه به بحران اقتصادی و نارضایتی مردم به انفجار سیاسی منجر شود.

خبرها حکایت از آن دارد که شیخ انفجار روز به روز سنگین تر می‌شود. مصباح یزدی آشکار می‌گوید مگر جلوی اسم هر کسی سید بود، مصونیت ایجاد می‌کند؟ چه کسی طرف خطاب مصباح یزدی است، سید محمد خاتمی یا معاون وزیر کشور و سید مصطفی تاج‌زاده عضو رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. مصباح یزدی برای آن‌که شفاف تر سخن بگوید از کسروی مثال می‌زند و می‌گوید: «کسروی هم سید بود، هم روحانی که بزرگان و علما گفتند خوش صباح، مرگ او واجب است و همسرس بر او حرام است». خزعلی امام زمان را شاهد می‌گیرد و می‌گوید: «زمان، زمان سکوت نیست» و می‌نویسد: «ما نگرانیم، اما ثابت قدم و گوش به فرمان دست بر قبضه سلاح و دندان می‌فشاریم و منتظریم، به‌خون لیبرال‌های خودفروخته تشنه‌ایم، روی سرکوب «لیبرال‌ها» که در زبان محافظه کاران باید آن را «رادیکال‌ها» تفسیر کرد، شاهرودی و الله کرم، سردبیر هفته‌نامه صبح و رئیس قوه قضائیه به هم می‌رسند.

شاهرودی، نامۀ ۱۹۰ نفر نماینده مجلس را پیروی از دغدغه‌های معدودی غرب‌زده می‌خواند و خطاب به نمایندگان می‌نویسد: «رایگان کردن امتیازات و منزلت نمایندگی در پیشگاه دفاع از معدودی متخلف و مجرم که طبق قانون محاکمه و محکوم شده‌اند مورد انتظار ملت ایران نیست. مجلس ما اسلامی است و نمایندگان بر اساس سوگندی که خورده‌اند باید دغدغه‌های ارزش‌های اسلامی را بر دغدغه‌های معدودی غرب‌زده مقدم دارند». مصباح یزدی آنچه را که شاهرودی از قلم انداخته در مسجد «چهار مردان قم» به زبان می‌آورد و نمایندگان را «مشرک» می‌خواند و می‌گوید «قراردادن هدفی به‌نام جمهوری در کنار اسلام نوعی شرک است».

پاسخ جبهه دوم خرداد چیست؟ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت بیانیه صادر کرده‌اند. نمایندگان مجلس در تدارک تهیه نامه به رئیس قوه قضائیه هستند. مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه خود نوشته‌اند: در صورتی که اقلیت ضداصلاحات هم‌چنان به مقابله با خواست و اراده مردم ادامه دهد و استراتژی ایجاد دو قطبی و حاکمیت دوگانه را از دستور کار خارج نکند و بخواهد که به نام قانون به جنگ با قانون ادامه دهد و مانع تحقق اراده اکثریت قاطع ملت شود، اصلاح‌طلبان ناگزیرند که امر فراتر از دستور کار اصلی برای انتخابات هشتم جدی بگیرند و با اتکاب رای قاطعی که ملت در فرآیند خواهد داد، تکلیف اقلیتی را که می‌کوشد از نهادی چون قوه قضائیه به عنوان سنگر مبارزه با مردم و اصلاحات بهره‌برداری کند، به‌دست ملت روشن کنند». این تهدید توپ توخالی برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای است یا هشدار جدی؟ آیا دوم خردادی‌ها عزم آن کرده‌اند که با محافظه کاران مقابله به مثل کنند. در پیش‌بودن انتخابات ریاست جمهوری و خشونت طلبی آشکار تمامیت خواهان از تهدید خشونت‌ها خبر می‌دهند و این سؤال مطرح می‌شود که آیا اصلاح‌طلبان حکومتی این‌بار به مردم فرصت خواهند داد که سرنوشت کشور را به‌دست بگیرند و شیخ عفریت خشونت و مرگ را دور کنند. بدون تردید فرآیند مردم فرصت می‌دهد که به دشمنان آزادی بگویند چه می‌خواهند. اما محتوای فرآیند مهم است. مردم برای فرآیندی که به تغییر وضعیت موجود منجر نشود، رغبتی نشان نمی‌دهند. فرآیند باید تداوم حضور و مشارکت واقعی مردم را در تعیین سرنوشت کشور تضمین کند. مردم از فرآیندی استقبال می‌کنند که هدف آن دمکراتیزه کردن ساختار سیاسی باشد.

## سقف پرونده قتل‌های زنجیره‌ای از قبل زده شده بود

ادامه از صفحه اول

بر اساس اطلاعات جزوۀ ۸۰ صفحهای علی فلاحیان و دری نجف‌آبادی از طریق سعید اسامی، قتل مخالفان را سازماندهی و توسط ماموران وزارت اطلاعات اجرا کرده‌اند. مصطفی کاظمی، عالیخانی و سایر متهمان در بازجویی‌ها گفته‌اند «حذف و حذف» مخالفان از کارهای وزارت اطلاعات و از وظایف آنان بوده و در برنامه‌ریزی سالانه به



قتل‌ها خودداری کنند.  
منع تعقیب علی فلاحیان و دری نجف‌آبادی

عنوان شاخص‌ترین فعالیت‌های وزارت اطلاعات ذکر می‌شده است. در این جزوه آمده است که انفجار بمب مشهد و ترور صیاد شیرازی که سازمان مجاهدین مسئولیت آن را بر عهده گرفت، کار شیکۀ ترور وزارت اطلاعات بود و آنها می‌خواستند به این طریق جریان تحقیق پرونده را تغییر دهند. جزوه فاش کرده که توسط هیئت بازخوانی پرونده که بعد از انتقال پرونده از دست کمیته تحقیق (یوسی، سرمدی و علی ربیعی) تشکیل شد، رد پای فلاحیان از پرونده پاک شده و به مصطفی کاظمی گفته شده که در اعترافات خود بنویسد او به دستور دری نجف‌آبادی عمل کرده است. بعدها نام نجف‌آبادی و سعید اسامی هم از فهرست آمران حذف شد و به این نتیجه

رسیدند که مصطفی کاظمی و عالیخانی را به عنوان آمر به دادگاه معرفی کنند. با وجود این‌که در جزوه گفته می‌شود خامنه‌ای در جریان تحقیقات قرار داشت، این سؤال بی‌پاسخ می‌ماند که چرا خامنه‌ای با حذف نام فلاحیان و دری نجف‌آبادی که دلایل و شواهد مستندی علیه آنان وجود داشته موافقت کرده است. آیا آن‌طور که از منابع موثق گفته می‌شود، این خامنه‌ای بود که دستور داد از طرح نام روحانیون در ارتباط با ماجرای

### حکم دادگاه:

آمرین حبس ابد، مجربان اعدام  
بر اساس حکم دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای، از مجموع متهمان، سه تن به قصاص نفس، ۳ نفر تبرئه و ۱۲ متهم دیگر بین دو سال زندان و حبس ابد محکوم شدند.

طبق این حکم مصطفی کاظمی و مهرداد عالیخانی به جرم امریت و صدور دستور چهار فقره قتل به چهار فقره حبس محکوم شدند. بر اساس حکم دادگاه متهمان ردیف سوم تا ششم به ترتیب علی رضا روشنی، به جرم قتل مختاری و پوینده، به دو فقره قصاص، محمود جعفرزاده به جرم مباشرت در قتل داریوش فروهر، به یک فقره قصاص و علی محسنی به جرم قتل پروانه فروهر (اسکندری) به یک فقره قصاص محکوم شدند.

اجرای احکام قصاص موکول به تصمیم خانواده‌های مقتولان است و خانواده‌های مقتولان باید خودشان حکم قصاص را اجرا کنند. خانواده‌های قربانیان قتل‌های

پذیرفتن رسوائی محاکمه غیر علنی اخیر، از وعده خاتمی مبنی بر اینکه قاتلان در هر مقام و لباس که باشند افشا خواهند شد، تا تعیین سقف برای ردیابی آمران قتل‌ها، تا حد زیادی تحت تأثیر خود پرونده قتل‌های زنجیره‌ای بود. در جریان برخورد افکار عمومی به این پرونده بود که آشکار شد پیگیری این قضیه، بسیاری از مقدسات جمهوری اسلامی را زیر سؤال خواهد برد. خاتمی و سایر رهبران جناح اصلاح‌طلبان حکومتی با گذشت چند ماه از آغاز تحقیقات، دریافتند سنگی را به سراسیمه غلتانده‌اند که متوقف کردن آن از عهده آنان خارج است. سعید امامی مرد، آمده‌های پائین تر از او گفتند

و این بستر را نیز هم مجلس باید فراهم کند و هم قوای خارج از مجلس». وی در ادامه می‌افزاید: «پشت سر همه نمایندگان شمشیری تحت عنوان شورای نگهبان و قوه قضائیه قرار داده‌اند به ما می‌گویند مواظب باشید بعد از دوره نمایندگی ممکن است رد صلاحیتان کنند. این شمشیر، نماینده نمی‌تواند اظهار نظر کند». نماینده تبریز در ادامه می‌گوید: «لتمانیان، نقلی در مجلس داشت و

## پرونده قتل‌های زنجیره‌ای مفتوح است

ادامه از صفحه اول  
چاره‌های ندارد، توجیه می‌کنند. در آن زمان، خاتمی حتی مجلس را هم نه در کنار، که در مقابل خود می‌دید و با این حال، توانست پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای را به ولایت فقیه تحمیل کند. افشای دخالت وزارت اطلاعات در قتل‌های زنجیره‌ای، رویدادی بسیار با اهمیت بود. برای نخستین بار، مهم‌ترین ارگ‌های سرکوب جمهوری اسلامی ناگزیر شد به ارتکاب چنین جنایاتی که با لگدمال کردن قوانین خود جمهوری اسلامی صورت گرفته بود، اعتراف کنند. این اعتراف، برای خامنه‌ای و

خواستار مصونیت اظهارات نمایندگان از تعقیب قضائی شدند. اکبراعلی، نماینده مردم تبریز با استناد به مواد ۲۳ و ۷۵ آئین‌نامه داخلی مجلس و نیز اصل ۶۷ قانون اساسی اظهار داشت: «برای ایفای سوگندی که یاد کرده‌ایم و عمل به تعهدمان، باید بستر لازم باشد

## اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رئوس برنامه پیشنهادی ما برای انتخابات ریاست جمهوری

هیئت سیاسی - اجرائی در جلسه ۱۴ ژانویه پیرامون انتخابات ریاست جمهوری به بحث و بررسی نشست و رئوس برنامه پیشنهادی و سیاست‌های ضرور را در زمینه انتخابات تدوین کرد. در زیر رئوس برنامه پیشنهادی را ملاحظه می‌کنید.

- ۱- تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان». در این راستا:
  - لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان
  - تأمین آزادی بیان، مطبوعات و اجتماعات
  - تأمین امکان فعالیت علنی و قانونی سازمان‌های سیاسی
  - اعلام منع پیگرد همگانی و برداشتن موانع موجود بر سر راه بازگشت پناهندگان
  - لغو کلیه قوانین ارتجاعی مغایر با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و منع دخالت نهادهای مذهبی و ارگان‌های دولتی در زندگی خصوصی شهروندان
  - لغو کلیه قوانین ضد زن و تأمین برابری زن و مرد
- ۲- ایجاد تغییرات در قانون اساسی در جهت دمکراتیزه کردن ساختار حکومتی و تأمین شرایط انتقال قدرت از نهادهای انتصابی به نهادهای انتخابی
  - ۳- در عرصه اقتصادی:
    - برنامه‌ریزی برای مهار بحران اقتصادی
    - مبارزه با فقر و بهبود زندگی اقشار کم‌درآمد
    - تعدیل اساسی در درآمدها (و ثروت) به نفع اقشار زحمتکش جامعه
  - ۴- در عرصه اجتماعی:
    - مبارزه با فساد، ارتشاء و تبعیض
    - تأمین امکانات تفریحی و آموزشی برای جوانان

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بیانیه خانواده‌های مقتولان  
تاکید کرده‌اند: ما زمانی دادخواهی‌مان را انجام داده تلقی می‌کنیم که دیگر کسی به خاطر بیان اندیشه‌هایش در این سرزمین کشته نشود و مورد تعدی خشونت‌گرایان قرار نگیرد. □

زنجیره‌ای پس از اعلام نتایج رای دادگاه با صدور بیانیه‌ای بار دیگر ضمن رد صلاحیت دادگاه، گفتند: با مجازات اعدام چند مأمور قاتل که بنا به اعتراف خودشان بر اساس وظیفه سازمان به حذف فیزیکی اندیشمندان می‌پرداختند، مخالفیم. در این

که به دستور صریح وزیر اطلاعات عمل کرده‌اند. تا وقتی معلوم نبود که رده وزیر، مصون خواهد ماند، برخی می‌کوشیدند با افشای عملکرد مافیای فلاحیان، پای دری نجف‌آبادی را از مخمصه بیرون کشند و در مقابل، از دستورهائی که دری نجف‌آبادی برای «حذف و زدن لائیک‌ها» داده بود، خبرهائی درز می‌کرد. اما خیلی زود برای رأس حکومت، آشکار شد که نه دری نجف‌آبادی و نه فلاحیان، بهره‌بردار پیاپی نیستند که بتوانند صراحت گفت در صورتی که از او بازخواست شود، پای رئیس جمهور وقت یعنی رفسنجانی را به میان خواهد کشید. سناریو تکمیل شد: افرادی در سطح مدیرکل، دستور قتل‌ها را داده‌اند. نه وزیر از این جنایات خبر داشته است و نه مقامات بالاتر از او. رسیدگی به جنایات وزارت اطلاعات، به چهار مورد در پانز ۷۷ محدود شد و حتی دو مورد مجید شریف و پیروز دوانی که در همان سال ۷۷ کشته شدند و تقریباً تری‌دیدی نیست به دست همان قاتلان فزوه‌رها و مختاری و پوینده به قتل رسیده‌اند، دنبال نشد. برای آزادیخواهان و افکار عمومی ایران، پرونده قتل‌های

می‌پندارد بر ملا خواهد شد. □

# نامه سرگشاده هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به «جبهه مشارکت ایران اسلامی»

## پروژه جمهوری سلطنتی

علی مختاری

حاکمیت دیکراسی تا زمانی که بساط ولایت‌فقیه و نهادهای وابسته به آن برپه نشود تحقق نخواهد یافت.

(۲)

این واقعیت که اصلاح‌طلبان حکومتی انحصار طلب هستند و در این زمینه از تمامیت‌گرایان فاصله چندانی نگرفته‌اند جای تردید ندارد. هسمن واقعیت قدرت‌طلبی اصلاح‌طلبان حکومتی دستمایه‌ای شده است برای نوشتن سناریوی جمهوری سلطنتی که انبارلویی یا طرح آن قصد خارج کردن ولی فقیه از تیررس مبارزه مردم را دارد. اصلاح‌طلبان حکومتی در فاصله چهار سال گذشته از زمانی که با حمایت مردم قوه مجریه را به دست گرفتند تا به حال هر اندازه که به قدرت نزدیک‌تر شدند به همان اندازه از مردم فاصله گرفتند و مردم را از کانون قدرت دورتر کردند. آنان عملاً با سازش‌کاری و ناپایداری وعده‌هایی که برای مشارکت مردم و توسعه سیاسی داده بودند به محافظه کاران برای استحاله قدرت نهادهای انتخابی ریاست‌جمهوری، شوراهای شهر و روستا و مجلس یاری رساندند. اصلاح‌طلبان حکومتی از هر ارگانی که با رای مردم از دست محافظه کاران گرفته شد، تخته پرشی ساختند برای رسیدن به ارگان بالاتر، بی آنکه اندکی هم به فکر تأمین مشارکت مردم و توزیع دمکراتیک قدرت و اعتبار سیاسی خود باشند و یا زمینه‌های دمکراتیک انتقال قدرت را به مردم فراهم سازند و حداقل حقوق مخالفان را به رسمیت بشناسند.

آنان وعده‌هایی را که به مردم داده بودند یک به یک به فراموشی سپردند، واژه آزادی در زبان رئیس‌جمهور از فرط تکرار فرسوده شد اما مردم روی آزادی را ندیدند و اکنون، خود اصلاح‌طلبان حکومتی علیرغم داشتن قوه مجریه و اکثریت مجلس به جایی رسیده‌اند که برای بقای خود در حکومت پشت درهای بسته و زیر شمشیر داموکلس

نگاهی به یکی از پنج دلیلی که انبارلویی برای اثبات ادعای خود آورده نشان می‌دهد که وی در کدام جبهه ایستاده و از کدام سنگر علیه چه کسانی شلیک می‌کند. سردبیر رسالت در مقاله «جمهوری سلطنتی» زیر عنوان دلیل پنجم نوشته است: «محدود کردن نهادهایی چون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام که به منظور کنترل و نظارت بر قوانین و جلوگیری از فساد در آرای مردم و نیز بیرون رفتن از بحران‌هایی که دیکراسی‌های لیربال با آن دست به گریبان هستند، در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، گامی دیگر به سوی «جمهوری سلطنتی» است.»

بنابراین استدلال انبارلویی هر کس و نیرویی که از دمکراسی سخن بگوید وحدت به خامنه‌ای است تنها می‌خواهد صورت مسئله مبارزه با ولایت فقیه را از بین ببرد بلکه زمینه را برای انزوی جریان رادیکال اصلاح‌طلب و تکرار سرنوشت ۱۸ تیر فراهم کند. نسیبید گذشت رسالت و سایر محافظه کاران مسئله را با چنین پروژه‌هایی پاک کنند. صورت مسئله همچنان گذشتن از سد ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن است. این نهادها خارج از حیطه کنترل مردم هستند. هر نهادی که انتخابی و در حوزه کنترل و نظارت مردم نباشد باید از ساختار سیاسی کشور حذف شود و نظام حکومتی جمهوری باشد و نه یک کلمه بیشتر.

(۱)

لفظ جمهوری سلطنتی را من از کاظم انبارلویی سردبیر روزنامه رسالت گرفته‌ام. انبارلویی در سر مقاله‌ای با همین عنوان خبر داده که خاتمی برای نامزد شدن در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری ۸ شرط قائل شده است. سردبیر روزنامه رسالت پس از برشمردن شروط به نقل از روزنامه عرب‌زبان «الشرق‌الوسط»، این اقدام خاتمی را «براندازی جمهوری اسلامی و تبدیل آن به جمهوری سلطنتی تغییر کرده و نوشته است: بدون شک اگر رئیس‌جمهور قوه قضائیه و مجلس را تحت امر داشته باشد و صدا و سیما را هم ارگان خود بداند مفهوم این کار چیزی جز بازگشت به سلطنت نیست.»

دغدغه سردبیر روزنامه رسالت چیست. آیا او نگران نقض حقوق «جمهور مردم» است و می‌خواهد با این سرمقاله به افکار عمومی هشدار دهد و آنان را برآی مبارزه علیه تمامیت‌خواهی و استبداد حکومتی بسیج کند. اگر چنین است آیا انبارلویی نمی‌داند عزل و نصب رئیس‌جمهور قضائیه، سرپرست صدا و سیما، اعضای شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دادگاه‌های انقلاب، دادگاه ویژه روحانیت، فرماندهان نیروهای مسلح، نیروی انتظامی و سایر نهادهای انتصابی که قدرت واقعی را در اختیار دارند، با است که معاون اول ولی فقیه گفت قاضی استقلالی در قضاوت ندارد و تابع ولایت فقیه است. آیا سردبیر رسالت از «حکم حکومتی» خامنه‌ای در جریان بررسی قانون مطبوعات از فرساز شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و قانون اساسی صادر شد و از مجلس سلب اختیار کرد، خبر ندارد و یا حکم دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای را نخوانده که قاضی عقبنی نوشته است صدور حکم قتل مخالفان با ولی فقیه است و هر حکمی که در دادگاه صادر می‌شود قاضی به نیابت از وی صادر می‌کند.

کدامی به یکی از پنج دلیلی که انبارلویی برای اثبات ادعای خود آورده نشان می‌دهد که وی در کدام جبهه ایستاده و از کدام سنگر علیه چه کسانی شلیک می‌کند. سردبیر رسالت در مقاله «جمهوری سلطنتی» زیر عنوان دلیل پنجم نوشته است: «محدود کردن نهادهایی چون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام که به منظور کنترل و نظارت بر قوانین و جلوگیری از فساد در آرای مردم و نیز بیرون رفتن از بحران‌هایی که دیکراسی‌های لیربال با آن دست به گریبان هستند، در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، گامی دیگر به سوی «جمهوری سلطنتی» است.»

بنابراین استدلال انبارلویی هر کس و نیرویی که از دمکراسی سخن بگوید وحدت به خامنه‌ای است تنها می‌خواهد صورت مسئله مبارزه با ولایت فقیه را از بین ببرد بلکه زمینه را برای انزوی جریان رادیکال اصلاح‌طلب و تکرار سرنوشت ۱۸ تیر فراهم کند. نسیبید گذشت رسالت و سایر محافظه کاران مسئله را با چنین پروژه‌هایی پاک کنند. صورت مسئله همچنان گذشتن از سد ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن است. این نهادها خارج از حیطه کنترل مردم هستند. هر نهادی که انتخابی و در حوزه کنترل و نظارت مردم نباشد باید از ساختار سیاسی کشور حذف شود و نظام حکومتی جمهوری باشد و نه یک کلمه بیشتر.

نامحتمل نیست و تنها ابستکار اصلاح‌طلبان برای تسهیل انتخابات به فراندومی خواسته آنان می‌تواند از تحقق آن جلوگیری کرد. موضوع این فراندوم برنامه جامع اصلاحات خواهد بود و مقدمات آن از جمله کوشش بی‌درنگ شما، چه در درون و چه در بیرون از مجلس، برای قانونیت بخشیدن به خود آن، برای تأمین حق فعالیت آزاد و قانونی احزاب، انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، برای تأمین حق بیان و نشر افکار، برای دمکراتیزه کردن قانون انتخابات و مشخصاً هسمن انتخابات ریاست جمهوری از طریق لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان... اکثریت عظیم مردم و سازمان‌های سیاسی کشور، از چنین فراندومی قطعاً استقبال خواهند کرد.

خاتم‌ها و آقایان ما پوشیده نمی‌گذاریم که گذشت حدود یک سال از انتخابات مجلس ششم و عملکرد عسومی آن در این باره خوشبینی چندانی را در این باره که در زمان کوتاه باقی‌مانده به انتخابات ریاست جمهوری، این مجلس در جبهات فوق‌الذکر به نتایج ملموسی نایل شود. حتی در این سمت گام موثری بردارد، ایجاد و ایجاب نمی‌کند. اما مردم ما نیز شناخت روشنی از مخالفان اصلاحات و ترندانه‌های آنان علیه آن دارند و کرده و ناکرده‌های این یا آن نیرو را به پای دیگری نخواهند نوشت.

آنان همچنین انتظار معینی از اصلاح‌طلبان دارند: انتظار این که اینان برای به عمل درآوردن وعده‌هایشان همت کنند. تلاش شما برای پیشبرد اصلاحات، ولو با مقابله مخالفان اصلاحات مواجه شود که خواهد شد، تنها جبهه اصلاحات را تقویت و مخالفان را نزد مردم منزوی‌تر خواهد کرد.

با احترام  
هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
دی ماه ۱۳۷۹

چنین سناریوی مطلقاً

رنگ‌بافته و بیم‌ها سر بر کرده‌اند. در این اوضاع مسئولیت بزرگی به عهده جبهه مشارکت، به عنوان بزرگترین فراکسیون مجلس قرار گرفته است. تمکین به تحمیلات مخالفان اصلاحات و موکول کردن اقدامات در جبهات پیشگفته به امید شرایط مناسب‌تر پس از یک پیروزی بزرگ در انتخابات، آسوی، در بهترین حالت تنها می‌تواند به تداوم رکود در روند اصلاحات، و این نیز نهایتاً به توقف آن در این مرحله از سیر خود شود. بدون اقدامات قاطع در زمان اندک باقیمانده تا انتخابات، اگر بسیار دیر نشده باشد، آن پیروزی بزرگ مورد انتظار تنها یک پیروزی

تصور خواهد بود. اهمیت انتخابات آتی ریاست جمهوری در این است که به فراندومی برای اصلاحات تبدیل خواهد شد: فراندومی خواسته مخالفان اصلاحات یا فراندومی خواسته اصلاح‌خواهان. وجهی از تهاجم سیاسی مخالفان آن اصلاحات در ضرورت تقویت نهادهای مدنی و تشکلیابی جنبش آزادی‌خواه و اصلاح‌خواه با حضور احزاب سیاسی و سازمان‌های صنفی، تشکلهای خودساخته روند اصلاحات، پروژه جنبش دوم خرداد، را در اساس توضیح می‌دهد.

خاتم‌ها و آقایان محترم پیروزی قاطع اصلاح‌طلبان در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی امیدهای بسیاری را بر سرای پیشرفت اصلاحات برانگیخت. امید این بود که مجلس برای تعقیق و تثبیت قانونی دستاوردهای اصلاحات، چه در عرصه سیاست مشارکت آنان در سرنوشت کشور خویش، میر نیست. ما بر این نظریه که «همه ایرانیان» مقدمتا باید به معنای مردم ایران درک شود و تفسیر اصلاح‌خواهانه این شعار را، در برابر تقسیم جامعه به خودی و غیرخودی، جز گشودن میدان برآی نیروهای سیاسی و اجتماعی، که تعلقی به حکومت موجود ندارند و یا با آن مخالفند،

تجربه همچنین نشان داده است که تحقق این شعار بدون مشارکت «همه ایرانیان» در روند اصلاحات و بدون مشارکت آنان در سرنوشت کشور خویش، میر نیست. ما بر این نظریه که «همه ایرانیان» مقدمتا باید به معنای مردم ایران درک شود و تفسیر اصلاح‌خواهانه این شعار را، در برابر تقسیم جامعه به خودی و غیرخودی، جز گشودن میدان برآی نیروهای سیاسی و اجتماعی، که تعلقی به حکومت موجود ندارند و یا با آن مخالفند،

خاتم‌ها و آقایان محترم، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در خردادماه سال آینده، نظر به اهمیت که این انتخابات و نتیجه آن در روندهای بعدی اصلاحات در جامعه ما خواهد داشت، نقشی که «جبهه مشارکت ایران اسلامی» در لحظه کنونی می‌تواند در راهبرد این انتخابات بسود اصلاحات داشته باشد و مسئولیتی که در این باره به عهده دارد، ما را به نوشتن این نامه به شما ترغیب کرده است.

شما به خوبی به تنگناهایی که اینک روند اصلاحات در چنبره آنها گرفتار آمده است واقفید. کافی است براین واقعیت که تعدادی از چهره‌های شاخص اصلاحات در جبهه دوم خرداد، تنها به همین دلیل اکنون در زندان بسر می‌برند لختی درنگ کرد تا به عمق تهدیدی که متوجه روند اصلاحات است پی برد.

مردم پشتوانه و نیروی اصلی هر اصلاح پایدارند. رکود روند اصلاحات، در شرایط معیشتی بسیار دشوار برای گروه‌های وسیعی از مردم، به بروز و تشدید ناامیدی آنان از روند اصلاحات انجامیده است. تداوم وضعیت فعلی می‌تواند اصلاحات را به شکست بکشاند. به باور ما عامل سیاسی اصلی در رکود اصلاحات ساختار سیاسی حاکم بر کشور ما، ساختار مبتنی بر ولایت فقیه و میدان عمل فراقانونی ولایت فقیه است. چنان که تحولات و رویدادهای اخیر به روشنی نشان داده‌اند، روند اصلاحات در سیر خود الزاماً با این ساختار به چالش رسیده است و برای پیشرفت بعدی خود ناگزیر به ایجاد تغییرات در قانون اساسی در جهت دمکراتیزه کردن ساختار حکومتی و انتقال قدرت از نهادهای انتصابی به انتخابی است.

خاتم‌ها و آقایان، جبهه مشارکت برای ما به عنوان نیروی اصلاح‌طلب، که از کوران تحولات سال‌های اخیر برآمده و با شعار «ایران برای همه ایرانیان» در جریان توفیق نشریات، احضار، محاکمه و دستگیری روزنامه‌نگاران و فعالین جنبش اصلاحات توسط قوه قضائیه در دو هفته گذشته نیز ادامه داشت. دستگیری نماینده مجلس شورا و محاکمه تاج‌زاده معاون سیاسی وزارت کشور بر بازداشت‌ها و محاکمه نیز اضافه شد. تاج‌زاده پس از شکایات شورای نگهبان به اتهام معاونت در مخدوش کردن آراء مردم تهران در انتخابات ششمین دوره مجلس شورا، در مجمع قضائی ویژه کارکنان دولت به محاکمه کشیده شد. دادگاه او را به عنوان مطلع فرا خواند ولی به طور ناگهانی او را به محاکمه کشید. تاکنون دو جلسه محاکمه تاج‌زاده برگزار شده است. نشریه یائثارات قبل از اتمام محاکمه تاج‌زاده خبر داد که وی به

## محاکمه تاج‌زاده معاون سیاسی وزیر کشور

● تاج‌زاده: مسیبین واقعی ابطال آراء شهروندان تهرانی را معرفی می‌کنم

۸-۵ سال انفصال از خدمت دولتی محکوم شده است. تاج‌زاده در دومین جلسه محاکمه این موضوع را مطرح نموده و از رئیس دادگاه خواست تمام مکالمات او توسط خبرنگاران ضبط شود و قاضی سرانجام پذیرفت که محاکمه وی بصورت علنی برگزار گردد و خبرنگاران فقاعیات تاج‌زاده را ضبط کنند. وی بطور مفصل از عملکردش در انتخابات دفاع کرد.

قبل از آن مجلس شورای اسلامی در جلسه غیرعلنی، گزارش سازمان بازرسی کل کشور را مورد بررسی قرار داد و تاج‌زاده به سئوالات نمایندگان پاسخ گفت. در این نشست موسوی لاری وزیر کشور، شورتی نماینده قوه قضائیه حضور داشتند. معاون سازمان بازرسی در مجلس اعلام کرد که ما هیچ جرمی به

## محسن اژهای، ۳۹ مورد

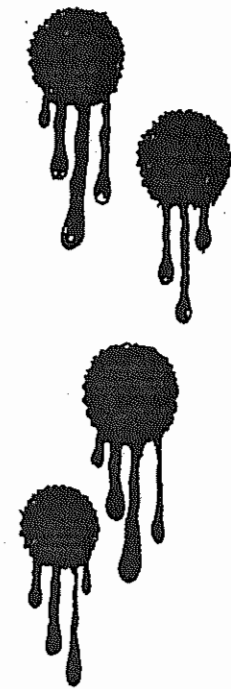
### از هفته‌نامه آبان شکایت بعمل آورده است

۳۹ مورد شکایت علیه محمد حسن علی‌پور، مدیر مسئول و صاحب امتیاز هفته‌نامه آبان صورت گرفته است. همگی این شکایات از طرف محسن اژهای، معاون رئیس کل دادگستری استان تهران و سرپرست مجمع ویژه قضائی کارکنان دولت، تحت عنوان نماینده مدعی‌العموم انجام یافته که با اعتراض شدید محمد حسن علی‌پور مدیر مسئول هفته‌نامه آبان و وکیل مدافع وی روبرو گشته است. اتهامات عنوان‌شده توسط مدعی‌العموم، تبلیغ علیه نظام، توهین به مقدسات، نشر اکاذیب و اشاعة فساد و فحشا می‌باشد. هفته‌نامه آبان در اردیبهشت ماه سال جاری، تنها با اکتفا به دو مورد شکایات به محاق توقیف درآمد، و ۳۹ مورد اخیر آن جدیداً از سوی محسن اژهای بر آن وارد شده است.

آغازگر بحث انتخابات تهران در شرایطی که در آستانه برگزاری سه انتخابات در ماه‌های آینده هستیم، باشم. منتها دادگستری استان تهران اصرار دارد که این کار صورت گیرد. وی اضافه نمود: من بنا دارم به پاری حق از فرصتی که به دست آمده استفاده کنم و از یک سو از تهران را معرفی و دلایل آن را نیز روشن کنم.

تاج‌زاده منتسب نکرده‌ایم و هاشمی شاهرودی نیز به وزیر کشور اعلام نمود که هیچ جرمی متوجه تاج‌زاده نیست. با این وجود تاج‌زاده به محاکمه کشیده شد. محسن میردامادی رئیس کمیسیون امنیت ملی اعلام داشت: «اراده‌ای خارج از قوه قضائیه بنای خبرنگاران فقاعیات تاج‌زاده را ضبط کنند. وی بطور مفصل از عملکردش در انتخابات دفاع کرد. قبل از آن مجلس شورای اسلامی در جلسه غیرعلنی، گزارش سازمان بازرسی کل کشور را مورد بررسی قرار داد و تاج‌زاده به سئوالات نمایندگان پاسخ گفت. در این نشست موسوی لاری وزیر کشور، شورتی نماینده قوه قضائیه حضور داشتند. معاون سازمان بازرسی در مجلس اعلام کرد که ما هیچ جرمی به

# آمار خودکشی در ایران بسیار نگران کننده است



اگر در میان انبوه اخبار منتشره در کشور هیچ خبری از خودکشی نمی‌بینید تعجب نکنید به همان اندازه اگر در میان همین نشریات یا اخبار خودکشی بومیان کانادا و روستایان چین و قرقیزستان و جوانان تایلند موجه شده‌اید، نیز نباید تعجب کنید. شاید آن طرف مرزها خیلی شلوغ و پلوغ باشد اما این دلیل بر نبود برخی چیزها در این طرف نیست. مشکل تنها یک چیز است «دروازبان خیر را سیاستی دیگر آمده است».

گزارشگران و نویسندگان مطبوعات واقفند که تحقیق پیرامون طلاق و خودکشی... و دسترسی به آمار آن چندان آسان نیست. به تعبیر آن رئیس سازمان «ارقام محرمانه است». در این میان اندک اخباری را که از طریق برآینع نقلی به آن دست یافتیم برایتان می‌گویم:

سال ۷۶: ۸۰ نفر در استان بوشهر خودکشی کرده‌اند. ۶۳ نفر از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. سال ۷۷: فقط در شهر اصفهان در این سال ۶۶۰۶ مورد اقدام به خودکشی صورت گرفت که ۳۰۸ مورد آن متعجبانه به مرگ شده است. این آمار نسبت به سال ماقبل آن ۲ برابر افزایش نشان می‌دهد.

سال ۷۷: بیش از ۱۵۰ نفر طی ده‌ماه اول این سال در کرمانشاه دست به خودکشی زده‌اند.

بهمن و اسفند ۷۷: ۱۳۴ نفر با سلاح سرد و گرم و طناب دار و سم خودسوزی در کرمانشاه به زندگی شان پایان دادند. غالب آنان زنان و دختران بودند.

پایتز ۷۸: دو برادر ۲۰ و ۱۸ ساله به فاصله شش ساعت در حوالی شهرستان اسدآباد همدان خود را حلق آویز کردند.

پایتز ۷۸: طی یک ماه بیش از ۱۰ نفر در کودمش لریستان به دلایل مشکلات خانوادگی و فقر به زندگی شان خاتمه دادند.

پایتز ۷۸: میل به خودکشی در تهران روزانه ۲۰ نفر است که این امر در هشت نفر به وقوع می‌پیوندد. بیشتر این افراد را دختران تشکیل می‌دهند.

همین چند روز پیش: مرد جوان ۳۰ ساله‌ای در نزدیکی کرج خود را زیر قطار مترو انداخت و بدش کاملاً مصلاتی شد. در جیب وی کاغذی با عنوان «در انتظار و به استقبال قطار مرگ» به دست آمد... و به طور متوسط روزانه یک نفر در ایلام دست به خودکشی می‌زند.

کمی می‌نوشد  
آمارها تکان دهنده است.  
بهران جهانی در پیش است

مهم ترین علت آن نیز مطابق نظرات رسمی اختلافات خانوادگی عنوان شده است. استان ایلام را نیز می‌توان مصداق روشن دیگری دانست که هر از چندی نگاه‌های پراز تعجب کارشناسان را به خود جلب می‌کند. چرا که تنها در سال ۳۳۸، ۷۶ مورد رفتار خودکشانه در این استان رخ داده که ۸۱ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند و غالبشان نیز خودسوزی کردند. متاسفانه عمده ترین دلیل در این استان نیز فرهنگی شناخته شده است. می‌گویند شرایط در این استان پنحوی است که به همین خاطر فرد چنان تحمل از کف می‌دهد که بدترین روش (خودسوزی) را برای خودکشی برمی‌گزیند بدون این‌که هیچ راه بازگشتی باقی بگذارد زیرا به اعتقاد روانشناسان هدف کوشش‌هایی که به قصد خودکشی انجام می‌گیرد به ندرت مرگ و پایان دادن به زندگی است و بیشتر وسیله‌ای است برای رساندن پیام و نمایشی برای جلب محبت است. اما خودسوزی هرگز چنین نیست...

### چه باید کرد؟

دکتر علیرودی یکی از صاحب نظران مسائل اجتماعی نیز همچون بسیاری دیگر از کارشناسان بر مسائل فرهنگی تاکید می‌کند او نوع غالب خودکشی در ایران را تقدیر گریانه دانسته و می‌گوید: «شایع بودن خودکشی تقدیر گریانه در ایران مبین انعطاف ناپذیری طاقت فرسا بودن هنجارهای اجتماعی بویژه در استان‌های کمتر صنعتی شده است که از انسجام و انتظام اجتماعی بالایی برخوردارند. از جمله ایلام و کتیکولوبه و بویراحمد. بعبارت دیگر این نوع خودکشی ناشی از «انتظام اجتماعی» افراطی بوده و بیانگر آن است که آینده اشخاص از پیش قابل ریزی شده و افراد تحت تاثیر نظارت بیرونی اند. لذا خودکشی متضمن رهایی از یک شرایط هنجاری است که چاره‌ای جز آن وجود ندارد». چیزی که استاندار ایلام متوسل در آن را بیان می‌کند: «سطح زندگی در استان ایلام بسیار پایین و فضاهای تفریحی و ورزشی و فرهنگی در آن بسیار محدود است. در شهر ایلام فضای عمومی رنگ‌ها و نوع معماری آن بگونه‌ای کنار هم قرار گرفته است که حاصلی جز آفسردگی ندارد».

باری هر دردی را درمانی نیز هست. وقتی این چنین آمار خودکشی زنان در کشور رو به افزایش باشد راه کاری نیز باید اندیشیده شود. یک جامعه‌شناس می‌گوید: «هرقدر میزان مشارکت بیشتر شود خودکشی کمتر می‌شود» و در اثبات ادعایش از استان‌هایی یاد می‌کند که به سبب میزان بالای مشارکت زنان در نیروی کار میزان خودکشی نیز کاهش یافته است. شاید فرداها برای اندیشیدن به مورد بسیاری از مسائل دیر باشد. وقتی معاون امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی اعلام می‌کند: «نرخ خودکشی در ایران بطور متوسط ۲۵ تا ۳۰ درصد هزار نفر است و این آمار بالاترین حد بحران خودکشی در جهان است. متوسط آمار خودکشی در جهان ۱۱ تا ۱۲ در یکصد هزار نفر است» در حالی که این میزان در انگلیس ۱۱ مورد برآی یکصد هزار نفر، در آمریکا ۱۱ مورد و در ژاپن ۱۷ مورد باشد، آیا فردا دیر نیست...

### بر گرفته از نشریه پیام امروز شماره ۲۲

ایران با داشتن دو هزار کیلومتر مرز مشترک با افغانستان و پاکستان و تولید ۵ هزار تن تریاک در افغانستان در معرض تهاجمی قرار گرفته است که از آن به بحران اعتیاد یاد می‌شود، چنان‌که تنها در سال گذشته ۳۰۷ هزار تن مواد مخدر در کشور کشف شده است. گستردگی و شیوع اعتیاد بحدی است که ۳۰ درصد اعتبارات نیروی انتظامی، ۶۰ درصد اعتبارات سازمان زندان‌ها و ۷۰ درصد حجم فعالیت دادگاه‌های انقلاب را بخورد اختصاص داده است. سال‌ها پیش ایران یکی از تولیدکنندگان تریاک بود. با پیروزی انقلاب تولید متوقف شد. تولید تریاک در ایران بر مبنای موافقتی بود که سازمان ملل برای ایران و چهار کشور استرالیا، ترکیه، اسپانیا و فرانسه صادر کرده بود. و این کشورها اجازه داشتند برای مصارف دارویی تریاک تولید کنند.

در سال‌های ۵۹ تا ۶۰ دولت به معتادان شش ماه فرصت داد تا اعتیاد را ترک کنند. برای ترک اعتیاد در مانگاهانی مشخص شد درمان شوند. در آنجا به معتادان ده روز متوالی شربت معتادون می‌خوراندند، سپس آنها را برای آزمایش می‌فرستادند. روشی که به گفته کارشناسان در هیچ‌جا دنیا مورد تایید نیست. کارشناسان می‌گویند اکثر آنها زمانی که برای آزمایش به آزمایشگاه فرستاده می‌شدند، تقلب می‌کردند تا نشان دهند معتاد نیستند.

مسئولان که متوجه شده بودند این شیوه کارساز نیست، به روش دیگری دست یازیدند، روشی که اعدام بود. فرض بر این بود که با این شیوه از گسترش اعتیاد در کشور جلوگیری خواهد شد.

این طرح ده سال اجرا شد ولی نتیجه دلخواه به‌دست نیامد. سرانجام طرح دیگری به تصویب رسید که طبق آن معتاد دیگر نه «محرم» که «بیمار» شناخته می‌شد. قرار شد معتادان به مراکزی که قرار بود ایجاد شود، مراجعه کنند. آن مراکز به صورت گسترده ایجاد نشد و معتادان نیز تمایلی به مراجعه به معهود مراکز ایجاد شده نشان ندادند.

اکنون با وجود گذشت ۱۲ سال از تصویب تشدید مجازات معتادان و قاچاقچیان به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از روش‌های بکار گرفته شده جواب نداده و بحران اعتیاد بیش از پیش در کشور دامن گسترده است چنان‌که بسیاری از مسئولان درگیر اعتیاد از این مسئله ناامید شده و روش جدید حجت‌الاسلام زمر، رئیس هنری سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، از مصرف روزانه ۵ هزار کیلوگرم مواد مخدر در تهران، کاهش سن و گسترش اعتیاد در مدارس خیر داد. پیش از آن مدتی بود که مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر سکوت پیشه کرده بودند. زن که ریاست حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی را نیز بر عهده دارد به صراحت لجه معروف است و نظرات و گفته‌هایش همیشه بازتاب‌های گسترده‌ای دارد.

وقتی خبر پخش شد، عددی در صد پاسخگویی برآمدند. ستاد مبارزه با مواد مخدر اولین نهادی بود که آمار ارائه شده از سوی زمر را نادرست خواند و

## گزارشی از بیست سال مبارزه با مواد مخدر در ایران

۵۰۰۰ کشته  
۵۰۰۰ اعدام  
۲۵۰۰ شهید  
۲ میلیون معتاد

### کمال آقایی

نداشته است. اگرچه ما تلاش فراوان کردیم تا علما را به صدور حکم تحریم مواد مخدر ترغیب کنیم اما علما در این زمینه با احتیاط عمل می‌کنند. ثانیاً این پیشنهاد دفع افسد به فاسد است و من مدعی نیستم که توزیع کوپنی تریاک کار خوبی است ولی بهتر از وضعیتی است که الان داریم».

تولید تریاک افغانستان حدود ۵ هزار تن در سال است و تقریباً کل آن از طریق ایران ترانزیت می‌شود. علیرضا پیشنهاد می‌کند: «ما باید تریاک را از طالبان بخریم و در اختیار کشورهای دیگر بگذاریم. به این ترتیب سود قاچاقچیان به حداقل می‌رسد. قیمت ۵ هزار تن تریاک حدود ۲۰۰ میلیارد تومان است اگر ما این تریاک را بخریم و آتش بزیم، نتیجه بهتری دارد تا اینکه ۷۰۰ میلیارد تومان برای مبارزه با آن هزینه کنیم. بجز این اگرچه انحصار در تجارت کالا چیز بدی است چون باعث افزایش قیمت کالا می‌شود و رقابت را از بین می‌برد اما انحصار مواد مخدر چیز خوبی است و می‌توان توزیع و مصرف را زیر کنترل دولت قرار دهد. به همین جهت ما باید رسماً با قدرت حاکم در افغانستان وارد مذاکره شویم و با معاملات تهراتی کل تریاک افغانستان را در مقابل گندم و محصولات نفتی بخریم».

با آن‌که سال ۲۰۰۸ میلادی از طرف سازمان ملل سال اسحای کامل کشت مواد مخدر در جهان اعلام شده، آمارها حکایت دیگری دارند. تولید تریاک افغانستان که در سال ۶۸ حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن در سال بود در سال ۷۸ به بیش از ۴ هزار تن رسیده است. برخی رقم تولید را بیش از این می‌دانند با وجود این تنها ۲۰۰ تن آن توسط نیروهای انتظامی و امنیتی کشف می‌شود. بقیه یا در داخل مصرف می‌شود یا از خاک ما عبور می‌کند.

در این میان آمار معتادان متفاوت است. مقامات رسمی کشور تعداد معتادان کشور را دو میلیون نفر اعلام کرده‌اند که یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر آنها معتاد تریاک در داروخانه‌ها سخن به‌میان آورد. او در توضیح پیشنهاد گفت: «ما باید تحت کنترل و با ضوابط و شرایط خاص به افراد سنین بالا کوپن بدهیم و از طرفی مردم را کنترل کنیم تا به این سمت نروند». وی تاکید می‌کند که ما توانسته‌ایم با مبارزه مع مصرف و توزیع مواد مخدر شویم پس بهتر است خودمان به صورت کنترل‌شده مواد را در اختیار متقاضیان بگذاریم. با این کار سود قاچاق را به حداقل می‌رسانیم و در کنار آن می‌توانیم ترانزیت را نیز کنترل کنیم.

این پیشنهاد کم سابقه با عکس العمل برخی از دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر روبرو شد. یکی از مقامات انتظامی گفت که با این کار قبح استعمال مواد مخدر از بین می‌رود و محمد فلاح دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر از تجزیه قبل از انقلاب سخن به‌میان آورد و گفت کوپن‌های سهمیه‌بندی که برای تریاک‌ها در نظر گرفته شده بود بین ۲۰ ساله‌ها دست بدست می‌شد. علیرضا در پاسخ این گروه می‌گوید: «این پیشنهاد برای وضعیت فاجعه‌آمیز امروز است. اولاً مواد مخدر برعکس مشروبات الکلی هیچ‌وقت منع شرعی و قبح اجتماعی چندانی

در فاصله ۱۰ سال بیش از ۵ هزار نفر اعدام شدند.  
در این میان بیش از ۲۵۰۰ نفر از نیروهای انتظامی در درگیری‌ها به شهادت رسیدند و نزدیک به ۵ هزار نفر نیز از قاچاقچیان کشته شدند. نتیجه چه بوده است؟

دانش‌آموزان معتاد را ۱۴۰۰ نفر دانست و از ۲۳۰۰ دانش‌آموزی سخن گفت که به توزیع و فروش مواد مخدر مشغول بودند.

برخی خونسردی از کف دادند و از زم خواستند تا از مردم عذرخواهی کند. اما گفته‌های زم کار خود را کرده بود و زخمی کهنه سر باز کرده بود. از آن‌ها هر روز حرف‌های تازه‌ای شنیده شد که تا آن روز از اتاق‌های در بسته بیرون نمی‌آمد. سید محمود علیرضا طباطبائی، عضو شورای شهر تهران و نماینده پیشین رئیس جمهور در ستاد مبارزه با مواد مخدر از توزیع تریاک در داروخانه‌ها سخن به‌میان آورد. او در توضیح پیشنهاد گفت: «ما باید تحت کنترل و با ضوابط و شرایط خاص به افراد سنین بالا کوپن بدهیم و از طرفی مردم را کنترل کنیم تا به این سمت نروند». وی تاکید می‌کند که ما توانسته‌ایم با مبارزه مع مصرف و توزیع مواد مخدر شویم پس بهتر است خودمان به صورت کنترل‌شده مواد را در اختیار متقاضیان بگذاریم. با این کار سود قاچاق را به حداقل می‌رسانیم و در کنار آن می‌توانیم ترانزیت را نیز کنترل کنیم.

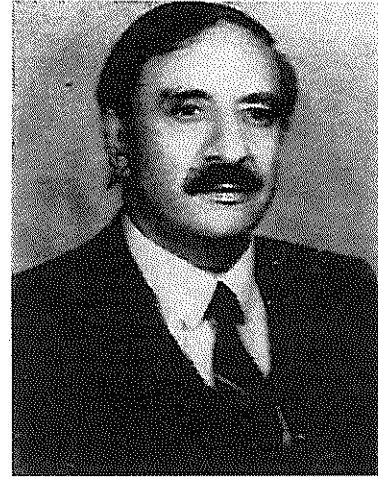
این پیشنهاد کم سابقه با عکس العمل برخی از دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر روبرو شد. یکی از مقامات انتظامی گفت که با این کار قبح استعمال مواد مخدر از بین می‌رود و محمد فلاح دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر از تجزیه قبل از انقلاب سخن به‌میان آورد و گفت کوپن‌های سهمیه‌بندی که برای تریاک‌ها در نظر گرفته شده بود بین ۲۰ ساله‌ها دست بدست می‌شد. علیرضا در پاسخ این گروه می‌گوید: «این پیشنهاد برای وضعیت فاجعه‌آمیز امروز است. اولاً مواد مخدر برعکس مشروبات الکلی هیچ‌وقت منع شرعی و قبح اجتماعی چندانی





# مذاکرات صلح در کردستان و زنده‌یادان دکتر قاسملو و داریوش فروهر

بهزاد کریمی



بزرگداشت «دوی ریبندان»، ارج نهادن به سیر ممتد شصت ساله مبارزه خلق کرد در راه احقاق حقوق ملی خویش و گرامی‌داشت خاطره همه مبارزانی است که در این راه کوشیده‌اند و مرگ، شکنجه، زندان، تبعید و انواع زجرها و محرومیت‌ها را تحمل کرده‌اند. آنچه که در زیر می‌آید، گزیده‌ای از سخنرانی زنده‌یادان دکتر عبدالرحمن قاسملو و داریوش فروهر است که در جریان مذاکرات مورخ بیستم آذرماه سال ۱۳۵۸ مه‌یاد بین «هیئت نمایندگی خلق کرد» و «هیئت ویژه دولت» ایراد شده است. شهید دکتر قاسملو در این مذاکرات، مقام سخنگویی هیئت نمایندگی خلق کرد را بر عهده داشت و در سخنانی که ایراد کرد نشان داد از چه پختگی سیاسی و چه احساس مسئولیت سیاسی همه‌جانبه‌ای برخوردار است. او در عین آن که از ترکیب هیئت نمایندگی خلق کرد متشکل از روحانی کرد آقای شیخ عزالدین حسینی (رئیس هیئت)، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان چریک‌های فدائی خلق - شاخه کردستان (در ترکیب سه نفره رفقا: شهید بهروز سلیمانی، شهید محمدامین شیرخانی و رفیق انور سلطان و سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران - کومله در برابر اعتراضات برخی از اعضای هیئت ویژه دولت «مبنی بر این که حاضر به مذاکرات با احزاب سیاسی و به ویژه فدائیان و کومله نیستند، قاطعانه دفاع کرد، و در حالی که کلیه نفوذ غرض‌های حکومت را مو به مو یاد آور شد، اما در همان حال در قامت یک دیپلمات کارکننده و یک رجل سیاسی مسئول، حد اکثر زبان نرم و انعطاف را به کار برد. در هیئت مقابل هم، مسئولانه‌ترین برخورد از آن زنده‌یاد داریوش فروهر بود که به خوبی آگاهی داشت چه وظیفه دشواری را باید پیش ببرد. او با همه وجود می‌کوشید که از «نامسکن»‌ها، به ممکن‌ها برسد.

این مذاکرات متأسفانه به نتیجه نرسید و آنچه که جای تلاش برای دوستی، صلح و اتحاد و تأمین حقوق ملی مردم کردستان و پیشرفت روند دمکراسی در ایران را گرفت، طوفانی شد که شنگان یاد درو کردند. طوفانی که حاصل آن، شدید زبانی و نفاق ملی، سرکوب و وحشیانه مردم کرد، تثبیت و تحکیم استبداد در ایران، ویرانی کردستان و بر باد رفتن مبالغ هنگفت در جنگ‌های کردستان، مرگ و آوارگی کردها و جان باختن سربازان، بسیجی‌ها و پاسداران اعزامی به این منطقه بود. اکنون بیش از ده سال از ترور ناجوانمردانه دکتر قاسملو و یاران او، و بیش از دو سال از بریده شدن گلولی داریوش فروهر می‌گذرد؛ اما آنچه که ثبت تاریخ است و خواهد ماند، در یک طرف تلاش‌های نیک‌خواهانه و صلح‌جویانه این دو انسان شریف، و در طرف دیگر ماندن روسیاهی‌های تاریخی بر چهره کسانی است که در پیشگاه مردم، آزادی و عدالت محکوم شده‌اند.

از سخنان دکتر قاسملو

من قبلاً اجازه می‌خواهم از همه دوستانم، و به هیئت ویژه خوشامد می‌گویم. ما از تل و تل و صمیمانه خوشحالییم که بعد از درگیری‌های تأسف‌آور توانستیم اینجا دور یک میز برادوار جمع شویم و در باره مسائلی که مربوط به کردستان و وطن عزیزمان ایران است با هم صحبت بکنیم. البته برای پیشرفت

یکی از نزدیکان است منتظر دیدار این طرح هستیم و امیدواریم که بعد از دیدن این طرح و بعد از مطالعه طرح، مسایل جزئی و شکلی به آسانی حل بشود. من می‌خواهم به عنوان سخنگوی همه این دوستان اظهار امیدواری بکنم که در صورتی که خواسته‌های اساسی خلق کردها در واقع نه تنها هیچ‌گونه تضادی با خواسته‌های سرتاسر مردم ایران ندارد بلکه برعکس در برآوردن این خواسته‌ها، به ایجاد وحدت کامل همه مردم ایران و همه خلق‌های ایران و تحکیم مبانی استقلال و تمامیت ارضی ایران کمک می‌کند. خواسته‌های خلق ما، به طور کلی در کلمه خودمختاری خلاصه می‌شود.

از سخنان جوانیه داریوش فروهر

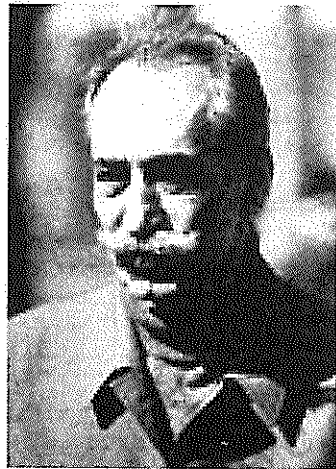
همان طوری که آقای قاسملو فرمودند محتوی آنچه که حق مردم تلقی می‌شود دارای اهمیت بسیاری است. با توجه به این نکته که برگرداندن سیستم حکومتی که تاکنون یا تا پیش از انقلاب در ایران دقیقاً وجود داشته است به سیستم دیگری، یعنی از میان بردن این سیستم متمرکز و جانشین کردن یک سیستم غیرمتمرکز که خواسته‌های مردم ایران را از هر قوم و از هر گوشه ایران می‌تواند برآورده کند، با ایشان هم‌داستانیم که جزء تمام‌کننده دمکراسی در ایران، و آزادی‌های فردی و اجتماعی در ایران هست. به جهت این که همان تجربه‌هایی که آقای دکتر قاسملو بهش اشاره کردند، نشان داده که باید چهارچوب همه گفتگوها دقیقاً روشن و بسته شود؛ یعنی ما در چه شرایطی گفتگو می‌کنیم و با چه هیئتی؟ (که همان طور که گفتیم و تکرار می‌کنیم ارزیابی قلمی همه مردم ایران و از جمله مردم کردستان این است که یک هیئت و مکمل یکدیگر تلقی شوند).

از نظر هیئت ویژه دولت با ساموریت و تعهداتی که دارد، شایان اهمیت زیادی است که مسئله ترکیب و شکل هیئتی که مورد گفتگو و رایزنی قرار می‌گیرد (روشن شود). چون من احساس می‌کنم که در یک جلسه رسمی، این قضیه به تفاهم نخواهد رسید، من با اجازه حضرت شیخ یک تفصیل چند دقیقه‌ای می‌دهم که نویسنده‌ای بخورم و بعد راجع به این موضوع که آقای مهندس صباغیان فرمودند که یک مسئله قرار شده قبلی بود، فکر می‌کنم به مقداری گفتگوی خصوصی احتیاج دارد تا برطرف شود.

در ریگا که علیرغم تلاش‌های مسئولانه‌ای از این دست که گوشه‌هایی از آن از دید خوانندگان گذشت، این مذاکرات عظیم ماند. دور دوم مذاکرات قرار شد در فدای آن روز جریان یابد اما از طرف هیئت ویژه، از صبح به عصر انتقال یافت ولی دقیقاً پیش از تشکیل جلسه، باز از سوی هیئت ویژه به هم خورد. تنها در پنجشنبه بیست و سوم آذرماه، دو نفر از اعضای هیئت ویژه، محتوی طرح ارسالی از تهران را در دفتر زنده‌یاد دکتر قاسملو با ایشان در میان گذاشت و این هیئت عصر آن روز با فرستادن طرح به دفتر هیئت نمایندگی خلق کرد، مه‌یاد را ترک گفت. مذاکرات، اما علیرغم پادرمیانی‌های معذود افسرد مسئول در تهران و به‌ویژه زنده‌یاد داریوش فروهر، تنها به همان یک دیدار محدود ماند و از آن زمان به بعد لشکرکشی به کردستان و مقاومت مسلحانه در برابر آن، به واقعیت تلخ کردستان و ایران به بعد بدل شد.

مورد تحلیل قرار بدهد و به همه مردم ایران نظر دولت و مسئولین امر را می‌گوید، چه اشکالی دارد که یک چنین فرصتی هم - شاید و قتش هم اشکال ندارد که کمتر باشد - بعد از ماه‌ها در اختیار ما بگذارد. ما هم در مقابل مردم ایران و وطن خودمان، مسئولیت داریم. همان طوری که هیئت ویژه دولت به مردم حق قضاوت در باره سخنان خودشان را می‌دهند به ما هم اجازه بدهند و این حق را بدهند که خواسته‌های خودمان را در چهارچوب جمهوری اسلامی و در چهارچوب وطن عزیزمان - ایران، مطرح بکنیم. تا مردم بدانند که ما واقعاً چه می‌خواهیم. خوب! این مردم و تاریخ‌اند که باید قضاوت بکنند.

و اما در باره مسئله‌ای که اینجا مطرح شد، ما عقیده داریم که هر طرف - یا این که من یا آقای فروهر موافقم که ما یکطرفیم و دو طرف نیستیم و امیدواریم که خیلی زود حتی پشت میز هم



یکطرف باشیم - مطابق اصول، خود هیئت نمایندگی خویش را تعیین می‌کند. این هیئت نمایندگی که اینجا نشسته مورد قبول مردم کردستان است. اکثریت مردم کردستان از این هیئت نمایندگی پشتیبانی می‌کند و اما اگر از طرف هیئت ویژه دولت و دوستان ما اشکالی است به این که بگویند که با احزاب و گروه‌ها مذاکره نمی‌کنند، خوب ما به عنوان هیئت نمایندگی خلق کرد برای مذاکره آمده‌ایم و شما هم با هیئت نمایندگی خلق کرد مذاکره بکنید. چه حزب دمکرات، چه چریک‌های فدائی خلق و چه کومله، وقتی (بینند) که هیئت ویژه دولت قبول می‌کند که با هیئت نمایندگی خلق کرد مذاکره بکند و واقعاً (هم می‌پذیرد که) این هیئت نمایندگی مورد تأیید اکثریت قریب به اتفاق مردم کردستان است، من فکر می‌کنم که دیگر مسایل شکلی نباید مانع ادامه مذاکره بشود و باز هم برمی‌گردم به گفته جناب آقای فروهر که فرمودند هر چه زودتر وارد اصل قضیه که محتوی مذاکرات است بشویم و واقعاً ما با کمال انتظار در واقع منتظر این هستیم که هیئت ویژه دولت آنچه را که اعلام کرده به عنوان طرح همراه آورده در اختیار هیئت نمایندگی خلق کرد بگذارند. و ما به عنوان نمایندگان خلقی که واقعاً مثل کودکی که در انتظار تحفه‌ای از طرف

## گرامی‌باد یاد ۲ ریبندان

دوم بهمن ماه هر سال یادآور یکی از ماندگارترین برآمدهای تاریخی مردم کردستان ایران است. روزی که در آن قاضی محمد رهبر حزب دمکرات کردستان ایران حکومت محلی کردستان خودمختار را در میدان چوارچرای مه‌یاد اعلام کرد. جمهوری خود مختار کردستان بیش از ۱۱ ماه دوام نیافت و در پی شکست حکومت خودمختار آذربایجان، این حکومت ... طی جنگی نابرابر با ارتش شاه سقوط کرد. قاضی محمد و یارانش بسیار زود محاکمه و تیرباران شدند و رژیم شاه گمان برد که بسا از بسین رفتن



جمهوری کردستان و قتل رهبران آن، خواست ملی خلق کرد هم از میان برخاست! بیش از ۵۲ سال از آن زمان می‌گذرد ولی این همان ۱۱ ماه است که در ذهن و اندیشه کرد باقی مانده است. در طول این زمان فراتر از نیم قرن، هیچگاه پرچم مبارزه در راه خودمختاری کردستان ایران بر زمین نیفتاده است. مردم کردستان در طول این زمان دهها رهبر برجسته‌ای چون شریف‌زاده‌ها، مسعینی‌ها، قاسملوها و شرفکندی‌ها از دست داده و هزاران نفر از فرزندان خود را در غل و زنجیر، در تبعید و آوارگی و در خاک و خون یافته است.

راز و رمز تداوم این مبارزه در آست که این مردم و نسل به نسل آن خواستنی بسیار طبیعی را مطرح کرده‌اند و مستبدان قدرتمند چه بر سر تاج پادشاهی و چه در تن ردای آخوندی بجای تمسکین به این خواست، زور و نیزه به میدان آورده‌اند. و این مبارزه، تا نشستن بر بار ادامه خواهد یافت.

خواست مردم کردستان، خواستی است دمکراتیک و بدون تحقق خودمختاری در کردستان و یا هر شکلی از آن که مستلزم سپردن امور این منطقه به ارگان‌های منتخب کردها، تحصیل هر نوباوه کرد به زبان مادری، شکوفایی فرهنگ کردی و رسمیت اداری - سیاسی زبان ساکنان کردستان، سخن گفتن از ایران دمکراتیک بپهلو خواهد بود.

دمکراسی برای ایران - خودمختاری برای کردستان، شعاری است که لازم است تحقق آن، باورمندی هر دموکرات ایرانی از حقوق ملی و فرهنگی مردم کردستان و متقابلاً کوشش هر کرد میهن ما برای استقرار دموکراسی در ایران است.

## فرا رسیدن ۵۵مین سالگرد ۲ ریبندان گرامی‌باد

ملی خود و پیوند این مبارزه با مبارزات روشنفکران، دانشجویان، روزنامه نگاران، کارگران و زحمتکش‌ها همه ملیتهای ساکن کشورمان ایران، پشتوانه عظیمی خواهد بود، برای برقراری دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان که یکی از شعارهای بنیادین حکومت ملی کردستان به رهبری قاضی محمد بود.

دوستان گرامی!

شما که امروز در اینجا گرد آمده‌اید تا سالگرد تاسیس حکومت ملی کردستان را گرامی بدارید، ما برایتان از صمیم قلب آرزوی موفقیت و پیروزی در مبارزه مشترکمان برای استقرار دمکراسی و مردمسالاری در شکل فدراتیو که تضمین کننده حقوق تمامی ملیتهای ساکن کشورمان باشد را داریم.

حزب دمکرات کردستان ایران - واحد یوتوبوری سوئد در تاریخ ۲۷ ژانویه ۲۰۰۱ به مناسبت بزرگداشت ۲ ریبندان در یوتوبوری سوئد مراسم برگزار کرد. به همین مناسبت از احزاب و سازمانهای چپ و دمکرات از جمله واحد یوتوبوری سازمان ما نیز دعوت بعمل آمده، پیامی از طرف گروه کار خلقهای سازمان به این مراسم ارسال شد. که توسط یکی از رفقای سازمان در این مراسم قرائت شد، و همچنین پیام سازمان ما از طرف مسئول روابط عمومی واحد یوتوبوری سازمان خوانده شد.

در بخشی از پیام گروه کار خلقهای سازمان آمده است: رفقا و دوستان گرامی! مبارزه خلق کرد برای احقاق حقوق

پیام گروه کار خلقهای سازمان به حزب دمکرات کردستان ایران

## به مناسبت ۵۵مین سالگرد دوی ریبندان

دمکراسی و مردمسالاری در شکل فدراتیو که تضمین کننده حقوق ملی تمامی ملیتهای ساکن کشورمان ایران است. رفقای گرامی! در مبارزه برای احقاق حقوق ملی خلق کرد ما را نیز یار و پشتیبان خود بدانید و برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی در مبارزات مشترکمان در راه دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان داریم.

پیروز باد مبارزه خلق کرد در راه استقرار دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان

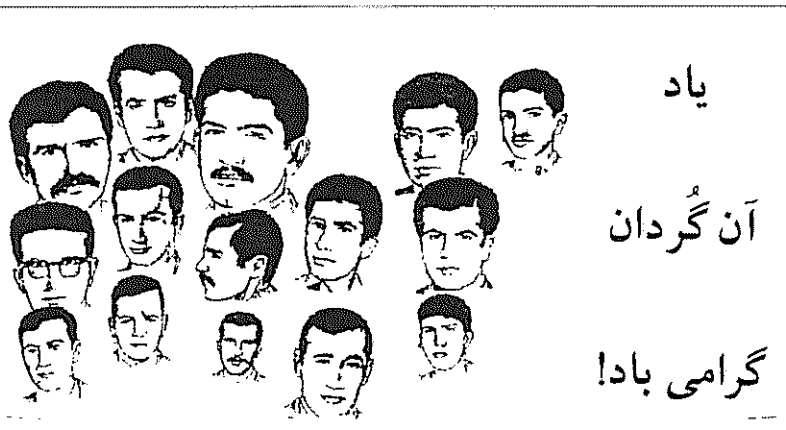
مسئول گروه کار خلقهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۹ فوریه ۲۰۰۱

«تهائی پیرامون مسئله ملی در ایران» بر مسئله ملی به عنوان یکی از مضللات دیرپای کشورمان تأکید ورزید، و یکی از وظایف اساسی خود را علیه برابری معطل می‌داند. کنگره ششم سازمان ما، بر این امر تأکید داشت که مبارزه برای دمکراسی و مردم سالاری در ایران بدون مبارزه برای احقاق حقوق ملی تمامی ملیتهای ساکن کشورمان مبارزهای ناقص و در تحلیل نهائی سترون خواهد بود.

رفقای گرامی!

سازمان ما، از مبارزات حق طلبانه خلق کرد و حزب دمکرات کردستان در راه احقاق حقوق ملی خلق کرد پشتیبانی می‌کند. ما نیز مبارزه برای احقاق حقوق ملی تمامی ملیتهای ساکن کشورمان را یکی از وظایف اساسی خود می‌دانیم و معتقدیم که حل مسئله ملی در ایران در گرو برقراری

رفقای گرامی!  
۵۵مین سالگرد دوی ریبندان را به شما تبریک می‌گویم. در مبارزه مشترکمان، در راه دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی داریم.  
در دوم بهمن ۱۳۲۴ حزب دمکرات کردستان به رهبری قاضی محمد فقید، تاسیس جمهوری کردستان را اعلام نمود. تاسیس جمهوری کردستان نقطه عطفی در مبارزات خلق کرد و تمامی خلقهای میهنمان ایران بود، که بعنوان انگویی درخشان الهام بخش مبارزات حق طلبانه خلق کرد در طول ۵۵ سال اخیر بوده است، و قطعاً روشنی بخش راه آینده مبارزان خلق کرد، برای احقاق حقوق ملی‌اشان خواهد بود.  
رفقای گرامی!  
سازمان ما، در کنگره ششم خود با تصویب سند



یاد آن گردان گرامی باد!

### آن عاشقان شرزه

آن عاشقان شرزه، که شب نزیستند رفتند و شهر خفته ندانست کیستند فریادشان ترموج شط حیات بود چون آذرخش در سخن خویش زیستند مرغان پرکشوده طوفان که روز مرگ دریا و موج و صخره برایشان کریستند می گفتی، ای عزیز! سترون شده ست خاک، اینک بین برابر چشم تو چیستند: هر صبح و شب به غارت طوفان روند و باز، آخرین شقایق این باغ نیستند. تهران، ششم تیرماه ۱۳۵۱ شفعی کدکنی

به سرخی تن لاله، به سرخی تن تو هنوز نامی نامت بمانده ایم و بمانیم که غنچه می زند از نام تو این برف کرانه که نیک تر ز تو دارد به روزگار نشانه؟

### سی سالگی فرخنده باد!

خود را آشکار و بی پرده با مردم خود در میان بگذارند. دوری از دورویی در گفتار و کردار. آئین نیک بنیان گذاران جنبش ما بوده است. آئین های نیک به خودی خود ماندگار نیستند. باید این آئین ها را پاس داشت. باید باورهای خود را به روز کرد. باید برای دشواری های روزمره مردم راه چاره یافت. آزادگی، از خودگذشتگی، مردم دوستی، مهربانی دوستی، ناوابستگی، دادپزوهی، نگاه کنجکاوانه به خود و گیتی، مشکافی در گفتار و کردار و نبالیدن بی جا به خود و جستجوی همواره راه های بهروزی مردم و آبادانی ایران ستون های جنبش فدائیان خلق بوده اند. مردم برای این ویژگی ها ما را دوست داشتند. راز ماندگاری این جنبش در ماندگاری این ارزش هاست. تا روزی که این ارزش ها سرچای خود باشند، جنبش فدائیان خلق ماندگار است و ما می توانیم خود را پی گیر آرمان های جوانان آزاده و پرشور آغازگر جنبش فدائیان خلق بدانیم.

سی سال ساخت ما را از آن روزهای دور جدا می کند. بسیاری از نخستین آغازگران این راه گران دیگر در میان ما نیستند. همه با هم از گذرگاه دشوار بسیاری گذشته ایم. اندوخته سی سال پیکار باید ما را پخته تر کرده باشد. باید از همه توان خود یاری بگیریم. باید هر آن چه می توانیم و از دست مان بر می آید بکنیم تا زندگی خوبی برای مردمان فراهم کنیم. باید دست در دست هم دهیم. باید ما فدائیان تلاش هایمان را در راه آزادی و داد همسو کنیم. چیزهای بسیاری ما را به هم پیوند می دهد. این پیوندها، این پل ها سرمایه گران بهائی است که نباید به آسانی بر باد دهیم. تلاش همسو و پیوسته فدائیان خلق می تواند در یاری با دیگر یاران آزادی خواه به بنیانی تیرومند برای در شاهراه آزادی جاودان بیانجامد.

با این که سی سال گذشته است هنوز دستی سخن و پیام خسرو گل سرخی پابرجاست. باید که دوست بداریم یاران فریادهای ما اگر چه رسا نیست. باید یکی شود. باید که قلب ما سرود و پرچم ما باشد. با پیکار همسوی همه ما فدائیان خلق جنبش ما می تواند به جایگاه شایسته خود دست یابد و چنان چون آن روزگاران دور سرچشمه تکان ها و دگرگونی های بی همتا در میهن مان باشد. اگر چنین شود. دهه چهارم زندگی ما پی گیری پسندیده ای برای این همه جان بازی و خون دل خوردن خواهد شد.

جنبش ما، جنبش فدائیان خلق ایران امروز سی ساله می شود. و جای دارد که این سی سالگی را به همدیگر شادباش گوئیم. سی سال زندگی این جنبش همواره با شادی و درد این مردم و مرز و بوم همراه بوده است. سازمان و جنبش ما از نخستین دم پایبندی خود، از آن زمان های دور آغاز دهه ۴۰ هجری خورشیدی کوشیده است تا در دل رویدادها و زندگی روزمره این آب و خاک جای داشته باشد.

همه کارهای درست و نادرست ما فدائیان خلق در میان مردم ما بازتاب داشته و جنبش آزادی خواهی در این میهن کهن کارساز بوده است. از آن روزهای سرد زمستان که کوشش بسیار و جانانه ما برای پایه گذاری جنبش آزادی خواهانه و بیدادستیز در سياهکل گل داد تا امروز که ما شانه به شانه همه آزادی خواهان ایران در برابر بیدادگران ایستاده ایم. هر کار ما از خواب و بد با شادی و دل گرانی از سوی همه هم زمان، یاران و دوستان بی شمار ما و خشم و کینه بدخواهان و دشمنان مردم پی گیری شده است. همین راستی است که سرفرازی ما از درستی و سرفاکنندگی و اندوه ژرف ما از نادرستی کارهای مان را پیش تر می کند.

بسیاری از فرهیخته ترین آزادی خواهان ایران همواره دل سوز جنبش ما بوده اند و این مایه سربلندی ماست. اندوه و شادی، درد و سرور هم زاده یکدیگرند. گروه بزرگی از پاک باخته ترین فرزندان ایران، سازمان و جنبش ما را سنگر پیکار تا پای جان خود برای آزادی و داد کرده اند. ما از این راستی به خود می یابیم. بسیاری از هم زمان ما در راه باورهای نیک خود جان باخته اند و از آغوش گرم مردم خود به یاد جاودانه آزادی راه یافته اند. درد از بی همتا تارو زگار بجاست در دل هر فدائی خلق خواهند ماند.

پرچم این جنبش سی سال است که در میان آزادی خواهان ایران در تب و تاب و تکاپوست. همه تلاش ما آن است که این نشان آزادی، که این نشان روبرویی بی دریغ با بیداد همواره در خاک میهن ما هم زاده با آرزو و نسیم آزادی در وزش باشد. همه تلاش ما آن است که باورها و کارهای نیک بنیان گذاران و آغازگران این جنبش را با اندوخته آزمون های خود در این سی سال پربارتر سازیم و سرائی استوارتر و جاودانه برای آزادی و داد در زادگاه مان به دست فدائیان آینده بسازیم. این آئین فدائیان خلق است که باورهای روز

# اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سی امین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق فبهسته بار!

پیشگام، و نداد ایمانی، و سپس رهبران مردم ترکمن، فدائیان خلق توماج، مختوم، واحدی و هرجانی آغاز شد. کشتار مخالفین در ابعادی باورنکردنی، رسمی و مخفیانه علیه همه سازمان های سیاسی و همه دگراندیشان و در سراسر کشور و بیرون مرزهای آن در تمام طول حیات جمهوری اسلامی ادامه یافت. اکثریت قریب به اتفاق رهبری و بخش مهمی از کادرهای سازمان بتدریج مجبور به پذیرش تبعید و مهاجرت از کشور شدند.

در اوج سرکوب دهنمنشان، فعالین سازمان در داخل کشور فداکارانه فعالیت های سازمان گرانه و تبلیغی خود را، بویژه علیه ادمه جنایتکارانه جنگ، پیش بردند. شعار «مردم ما صلح می خواهند، جنگ را قطع کنید» را فدائیان همه جا به دیده نشانند. در تابستان ۱۳۶۵ به دنبال مآدها تعقیب و پیگرد، تشکیلات مخفی سازمان ضرباتی سخت را متحمل شد و در یک یورش سراسری ۱۰۰۰ تن از آنان دستگیر و روانه زندان ها و شکنجه گاه ها شدند. در فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی، در کنار مبارزین دیگر سازمان های سیاسی در طول چند روز ۱۰۳ تن از اعضای سازمان توسط آدمکشان جمهوری اسلامی اعدام شدند.

به تدریج و از سال ۱۳۶۳ تلاش ها و مبارزات برای بازنگری بنیان های فکری و مبنای برنامه های و سیاسی سازمان دامن گرفت و با آغاز تحولات فکری - سیاسی در اردوگاه سابق سوسیالیستی و اتحاد شوروی، تشدید شد. در کنگره اول سازمان در سال ۱۳۶۹ و کنگره های متعاقب آن، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) موفق شد مبنای نظری و آماج های برنامه ای و سیاسی خود را بازتیین کند و رسمیت دهد و به عنوان یک سازمان طرفدار سوسیالیسم و مخالف هر نوع ستم طبقاتی، جنسی، ملی و قومی، مذهبی و ایدئولوژیک، مدافع حقوق بشر و حفظ محیط زیست، روادار و مخالف اعمال قهر در منازعات سیاسی خود را بشناساند و نیز موفق شد با تأمین دمکراسی درون تشکیلاتی در ایجاد پلورالیسم سیاسی و تنوع فکری در سازمان، گام های نو و نمونه سازی بردارد.

اکنون استقرار یک جمهوری فدراتیو مبتنی بر دمکراسی، بر اساس جدائی دین و حکومت و تماماً انتخابی، هدف سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را تشکیل می دهد.

سازمان امروز با پیروی از شعار «اصلاحات آری، ولایت فقیه نه» پاسخگویی به نیاز سیاسی جامعه و پیشرفت جنبش اصلاحات را در گرو ایجاد تغییرات در ساختار سیاسی و تغییر قانون اساسی می شناسد و بر این پایه در نبرد سنگینی که برای پیشبرد اصلاحات در جامعه ما جریان دارد، مجدانه شرکت می کند.

در سی سال گذشته فدائیان بسیاری در راه آرمان ها و آساج والا و انسانی خود جان باخته اند و هزاران دیگر رنج شکنجه و بند و از دست دادن عزیزان و محرومیت و آوارگی و تبعید را پذیرفته اند. در مقابل این رنج بزرگ و رنج های عظیم سر تعظیم فرود می آوریم و اطمینان داریم نهال غرس شده در ۱۹ بهمن در سیمای جنگلی انبوه مؤده رسان و یاری رسان بهار در کشور ما خواهد بود. جنبش فدائیان در دل بسیاری از مردم ما ریشه گرفته است.

بار دیگر در سی امین سالگرد بنیان گذاری جنبش فدائی، به همه فدائیان خلق در شاخه های مختلف آن، به همه مبارزین راه آزادی و سعادت مردم ایران، به همه آن شیر آشکوب مردان و زنانی از آنگونه عاشق که «تنباهی از درگاه بلند خاطر ه شان سرفراکنده و شرمسار می گذرد»، درود میفرستیم.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۹ بهمن ۱۳۷۹

پس از انقلاب فدائیان کوشیدند اندیشه سیاسی خود را متحول و پاسخگویی شرایط پیچیده جدید کنند. در سال ۱۳۵۸ سازمان چریک های فدائی خلق، یک انشعاب بزرگ را متحمل شد و بخش اکثریت آن نام خود را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تغییر داد. در تدوین روند سیاست و مبنای نظری جدید در سال ۱۳۶۰، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در عرصه نظری به پذیرش اسناد جلسات مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری و تئوری های مربوطه و در عرصه سیاسی به «برنامه شکوفائی جمهوری اسلامی» روی آورد. این برنامه در سال ۱۳۶۲ عملاً کنار گذاشته شد و نخستین کنگره سازمان در سال ۱۳۶۹، آن را به جهت تقابل با دمکراتیسم پیشرفت و تجدد، بزرگ ترین خطای سیاسی سازمان ارزیابی کرد.

بعد از انقلاب با وقفه ای کوتاه و پس از سپری شدن «بهار آزادی»، سرکوب و کشتار تداوم یافت و همراه با حد تشییت حکومت فقهانی جمهوری اسلامی، شدتی روزافزون گرفت. سلسله قتل های زنجیره ای با همان سبک و سیاق ربودن و کشتن مخفیانه از همان چند ماه پس از انقلاب از جمله با کشتن دانش آموز

## کیهان

صاحب امتیاز: دکتر مصطفی مصباحزاده

اداره: نادانه نظامی در مورد ۲۴ نشر مهتمان به اقامت به است کشور صادر شد

### ادگاه نظامی ۶ نفر را به اعدام محکوم کرد



این گروه با اعدام، آید. سه به ۱۰ سال زندان، دو به ۵ سال زندان، دو به ۳ سال زندان، دو به ۱ سال زندان، دو به ۶ ماه زندان، دو به ۳ ماه زندان، دو به ۱۵ روز زندان محکوم گردیدند.

این گروه با اعدام، آید. سه به ۱۰ سال زندان، دو به ۵ سال زندان، دو به ۳ سال زندان، دو به ۱ سال زندان، دو به ۶ ماه زندان، دو به ۳ ماه زندان، دو به ۱۵ روز زندان محکوم گردیدند.

این گروه با اعدام، آید. سه به ۱۰ سال زندان، دو به ۵ سال زندان، دو به ۳ سال زندان، دو به ۱ سال زندان، دو به ۶ ماه زندان، دو به ۳ ماه زندان، دو به ۱۵ روز زندان محکوم گردیدند.

### سازمان ۱۵ بهمن

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت. در این روز، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تهران، مراسم گرامی و باشکوهی را برگزار کرد. در این مراسم، اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با سخنرانی ها و اجرای برنامه های متنوع، به یادگاری های این روز مبارک را گرامی داشتند.

### سرمای و یخبندان شدت یافت

در این روز، سرمای شدید و یخبندان شدت یافت. در تهران و سایر نقاط کشور، دما به حدی رسید که مردم مجبور شدند لباس های گرم بپوشند. در برخی مناطق، برف بارید.

### حکومتی به اعدام محکوم کرد

حکومت جمهوری اسلامی ایران در این روز، شش نفر را به اعدام محکوم کرد. این افراد به اتهامات مختلفی از جمله تروریسم و فعالیت های ضد نظامی متهم شدند.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۱۵ بهمن ۱۳۷۹، سی سالگی خود را جشن گرفت.



مصاحبه با رفیق علی پنجگاه، عضو کمیته اعتصاب و نماینده شورای سراسری کارکنان صنعت نفت

نقش کارکنان صنعت نفت در انقلاب بهمن

اشاره: نشریه کار به مناسبت سالگرد انقلاب بهمن با رفیق علی پنجگاه عضو کمیته اعتصاب و نماینده شورای سراسری کارکنان صنعت نفت به گفتگو نشست و سؤالاتی را در زمینه نقش کارکنان صنعت نفت در انقلاب بهمن با وی در میان گذاشت. در زیر متن این گفتگو را که توسط رفیق صادق کارکر صورت گرفته، ملاحظه می کنید.

سوال: رفیق علی با تشریح از اینکه وقتان را در اختیار ما گذاشتید، سالگرد انقلاب بهمن و نقش کارکنان صنعت نفت در پیروزی انقلاب داشته، باعث شد تا ما به خدمت شما برسیم و پرسش‌هایی را در این رابطه و مسائل دیگر با شما در میان بگذاریم. از شما درخواست داریم که قبل از همه کمی در باره خودتان صحبت کنید.

رفیق پنجگاه: با تشکر من علی پنجگاه پنجاه سال سن دارم و در یکی از شهرهای زیبای مازندران به نام بابلسر به دنیا آمده‌ام. در سال ۱۳۵۵ به استخدام پالایشگاه نفت تهران درآمدم. در سال ۵۷ با آغاز تظاهرات و اعتصابات اعتراضی مردم و کارگران بر علیه رژیم شاه به اتفاق عده دیگری از کارگران و کارکنان بخش‌های مختلف پالایشگاه نفت تهران کمیته اعتصاب کارکنان نفت را به وجود آوردیم و پس از آن شورای سراسری کارکنان نفت را که من نیز عضو آن بودم و در سال ۶۲ به جرم فعالیت به نفع گروه‌های سیاسی از شرکت نفت اخراج و از کارکردن در سایر موسسات دولتی نیز محروم گشتم.

تاریخ قبل از سال ۱۳۵۷ شکل سندیکنی و یا صنفی در شرکت نفت تهران وجود داشت؟ بله شکل‌هایی وجود داشت که اجازه فعالیت آزاد چندانی نداشتند و محدود بودند. البته کارمندان بکلی فاقد هر نوع تشکیلی بودند و اساساً به این بهانه که کارمندان نمایندگی کارفرما و دولت هستند، آنان را از داشتن تشکیلات و فعالیت صنفی منع کرده بودند. در سال ۵۷ بود که کارمندان نیز به تدریج به صف کارگران پیوستند و خواهان حق تشکیلات شدند.

اعتصابات و اعتصابات کارگری سال ۵۷ از کجای و چگونه شروع شد؟ اعتصابات کارکنان ابتدا بطور پراکنده شروع شد و فکر می‌کنم که حتی قبل از شهریور ماه سال ۱۳۵۷ بود. حتی بیاد دارم که پس از ۱۶ شهریور اعتصابات شکل وسیعی به خود گرفته بود بطوری که در جلوی پالایشگاه چادری نیز بوسیله اعتصابیون برپا شده بود. البته در ابتدا مدت اعتصابات کوتاه بود اما بتدریج هم به تعداد بخش‌هایی که به اعتصاب می‌پیوستند اضافه شد و هم مدت اعتصاب طولانی‌تر می‌شد و هم خواسته‌ها و مطالبات کارکنان که در این اعتصابات در شکل قطعنامه‌های مطرح می‌شد متنوع‌تر می‌شد. البته همزمان با اعتصابات اشکال دیگر مبارزاتی مانند تحصن، تظاهرات، نامه و طومار نویسی نیز صورت می‌گرفت. در ماه آبان همان سال بود که کارمندان نیز که حق فعالیت صنفی نداشتند از فرمان روسای خود سرپیچی کرده و ضمن اعلام همبستگی با کارکنان اعتصابی به صفوف آنان پیوستند.

کمیته اعتصاب پالایشگاه نفت تهران چگونه و کی به وجود آمد؟ کمیته اعتصاب در همان ماه آبان بود که ابتدا به‌طور مخفی شکل گرفت. پس از پیوستن کارمندان به کارگران من به سراغ چند تن از نمایندگان بخش‌های تولید روغن و تعمیرات و بقیه رفتم و باهم کمیته اعتصاب را که تشکیل شده بود از دو نماینده از هر بخش پالایشگاه به‌وجود آوردیم. پس از تشکیل کمیته اعتصاب در دستوران پالایشگاه جمع شدیم و برنامه کارهایی را که توافق کرده بودیم انجام دسیم، تهیه کردیم و به‌دنبال تشکیل کمیته بود که اعتصاب و اعتراضات پالایشگاه تهران همه گیر شد و کلیه بخش‌ها به اعتصاب و تظاهرات در تحصن‌ها پیوستند.

چگونه و چه موقع بود که برای آن اعتصاب طولانی که تا پیروزی انقلاب ادامه یافت تصمیم گرفتید؟ مدتی پس از تشکیل کمیته و پس از یک سری اعتصابات کوچک و کوتاه مدت و هم چنین تحصن‌ها و اعتراضات گوناگون، روزی در دستوران پالایشگاه تهران تحصن کردیم. پس از تحصن بسلافاصله نیروهای نظامی که فرماندهی آنان به‌عده یک تیمسار بنام نوروزی بود، ما را در محاصره خود گرفتند. ما از قبل در بین خود توافق کرده بودیم که اگر رژیم و نیروهای نظامی خواستند از ارتش بر علیه ما استفاده کنند هر گونه صحبت و گفتگو با آنان را تحریم کنیم. به همین دلیل پس از قرارگرفتن در محاصره نیروهای نظامی وقتی که تیمسار گفت که می‌توانیم تسلیحات را بگذاریم و خارج شویم ما هیچ اعتراضی نکردیم و بی‌درنگ از محاصره خارج شدیم.

آنان می‌دانند تا وقتی که کارگران و کارمندان فاقد تشکیلات علنی باشند، مبارزات آنان ثمره چندانی نخواهد داشت. برعکس اگر این تشکیلات اجازه فعالیت پیدا کرده و تشکیلات می‌توانند با هماهنگ کردن مبارزات خود و سراسری کردن آنان کارگران را به حرکت درآورند و بساط ظلم و استبداد حاکم بر کشور را برچینند.

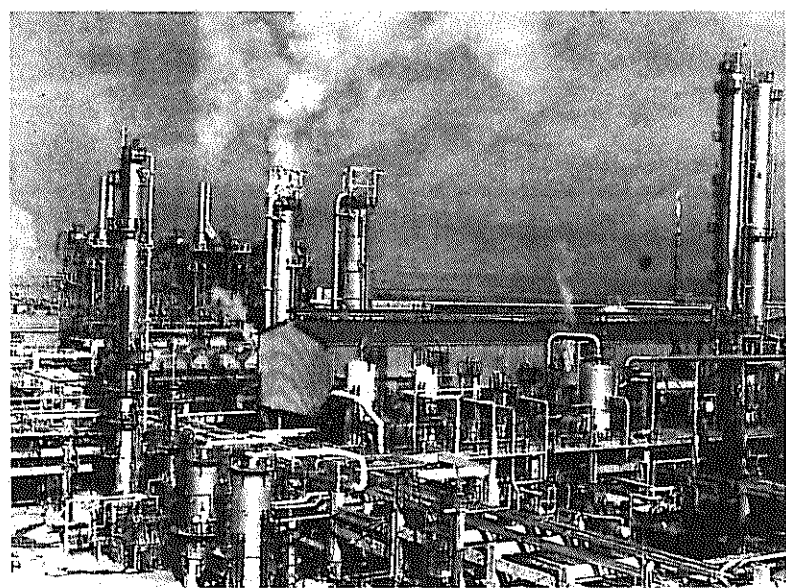
به نظر من طبقه کارگر باید استقلال خود را از دولت‌ها کاملاً حفظ کند. در ایران هیچگاه دولتی که حتی ذره‌ای به کارگران و خواسته‌های برحق آنان توجه کند، به وجود نیامده است. یادتان نیست که خمینی تا قبل از بقدرت رسیدن و حتی در ماه‌های اول بقدرت رسیدن چقدر لاف دفاع از کارگر و مستضعف را می‌زد. خوب بیست سال گذشت، چه چیزی نصیب کارگران شد؟ مگر نه این است که وضع زندگی کارگران و کارمندان حتی دهها برابر بدتر از زمان رژیم قسلی شده است. این پلایه‌هایی که بر سر طبقه کارگر آمده به‌خاطر آن است که تشکیلات و اتحادیه وجود ندارد. شما ببینید، در مسکنی که می‌گفتند پیغمبر اسلام اولین و تنها کسی است که دست کارگر را بوسید و می‌گفتند که گفته است حقوق کارگر را باید قبل از خشک شدن عرق تشبیه به او داد، در حکومتی که خود را نماینده خدا و پیغمبر می‌داند، کارگران را چه روزی افتاده‌اند. آیا دو سال طول می‌کشد که عرق کارگر خشک شود که شما در بعضی از کارخانجات دو سال است که حقوق ناچیز کارگر را نمی‌دهید؟ از همان اول انقلاب به این طرف در حالی که اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارفرمایان قانونی و رسمی و محترم بوده و هست و هیچ‌کس در کار آنان دخالت نمی‌کند، تاکنون به هیچ تشکیلات کارگری مستقلی اجازه فعالیت رسمی و آزاد ن داده‌اند. خمینی می‌گفت که گویا او جانبدار هیچ طبقه‌ای نیست و به قول سران رژیم گویا فراتر از فکرها و رفتار می‌آمده، اما با گذشت بیش از ۲۰ سال از عمر رژیم اسلامی می‌بینید که در این رژیم به‌اصطلاح فرایطیاتی چه بر سر مردم آمده. من نمی‌گویم که طبقه کارگر نباید از تحولات مثبت در جامعه دفاع کند، اما معتقد بوده و هستم که طبقه کارگر نباید گول این حرف‌ها را بخورد و دچار دنباله‌روی از جریان‌های غیرکارگری شود. باید ملاک ما رفتار و عمل دولت‌ها و احزاب باشد نه ادعای آنان. در این مملکت هنوز به روزنامه‌نگارانی که حتی بعضی از آنان مخالفتی هم با نظام سرمایه‌داری ندارند ببینید چه می‌کنند، پس وای به حال طبقه کارگر. اگر ما همچنان که در اوایل انقلاب در مورد رژیم خمینی دچار توهم شدیم، فریب خوردیم و به فلات اقتداری، دوباره با دنباله‌روی و توهم نسبت به خاتمی وضع خودمان را بدتر نکنیم.

همان‌طور که گفتم غرض و منظور این نیست که به کلی خود را جدا کنیم، زیرا که جدائی کامل از بقیه جامعه نیز نه ممکن و نه صحیح است. منظور حفظ استقلال است، همان‌طور که بعضی از نیروهای اجتماعی به دلایل مختلف از بعضی از خواسته‌های ما کارگران حمایت می‌کنند، اما هیچ‌وقت استقلال فکری و طبقاتی خود را مخدوش نمی‌کنند. ما نیز باید این‌طور باشیم. جامعه مدنی که نخواهد حق ساده تشکیلات آزاد کارگری را بپذیرد برای ما کارگر چه ارزشی دارد که از آن حمایت کند؟! از احزاب سیاسی و احزاب کارگری و چه نیز می‌خواهم که از حق و حقوق و مبارزات کارگران دفاع کنند زیرا که چه بدون وجود تشکیلات کارگری و تودهای محلی از اعراب نمی‌تواند داشته باشد. امروز متأسفانه در جامعه ایران فقر و ستم و ظلم بیاد می‌کند. به همین دلیل زمینه حرکت و حضور احزاب چپ در ایران نیز به مراتب از گذشته بیشتر شده است. احزاب و سازمان‌های چپ اگر می‌خواهند موفق شوند سعی کنند به جای دنباله‌روی از جریان‌های دیگر، معرف سیاسی خود را جمع‌شان کنند. زیرا که تنها با حفظ هویت و استقلال رای و اراده خود است که می‌توانند نیرو جذب کرده و در جامعه تاثیرگذار باشند. چپ باید و می‌تواند که سیاست مستقل خود را داشته باشد. چرا بعضی‌ها مایوس شده و خویتی خود را باخته‌اند؟ من که سردمنی‌لوم!

صحت‌های خود گفت: ما دولت مکتبی هستیم، ما می‌خواهیم ابتدا چریک‌های فدائیان خلق و طرفدارانشان و سپس مجاهدین خلق و طرفدارانشان را از شرکت نفت تصفیه کنیم. دو نفر دیگر که همراه من آمده بودند، نسبت به سخنان او اعتراض کردند و گفتند که آنان توقع ندارند که وزیر دولت انقلابی با کارگران چنین سخن بگوید و من هم گفتم که آقای وزیر، ما برای گفتگو در باره گروه‌های سیاسی به اینجا نیامده‌ایم. ما پنج شش تا درخواست داشتیم که برای طرح آنان آمدم. البته ایشان با تعدادی از درخواست‌های ما موافقت کردند. این برخورد یک وزیر مکتبی لیبرال با ما در آغاز انقلاب بود. بعداً که غرضی روی کار آمد، او در شرکت نفت به عنوان غرضی قدر معروف شده بود) با روی کار آمدن او تمام مزایا و امتیازاتی را که در دوران رژیم شاه، کارگران به‌دست آورده بودند از آنان پس گرفتند. تا قبل از وزیر شدن او هنوز شوراها و نمایندگان شورای سراسری کارکنان نفت که پس از انقلاب به‌وجود آمده بود، می‌توانستند فعالیت قانونی کنند و حتی در جلسات هیئت مدیره شرکت نفت حضور می‌یافتند. اما پس از آمدن غرضی وضع به کلی عوض شد. من به‌خاطر دارم که روزی با عده‌ای از نمایندگان شورای سراسری برای بازدید از پالایشگاه اصفهان رفته بودیم که به‌دستور این آقا از ورود ما به پالایشگاه جلوگیری کرده و گفتند ما هیچ شورائی را به رسمیت نمی‌شناسیم. مدتی پس از آن نیز تقریباً تمام نمایندگان شورای سراسری یا به زندان روانه و یا اخراج شدند و دو نفر از آنان نیز به‌خاطر پذیرفتن همکاری یا رشوه و مقام در شرکت نفت باقی ماندند. حتی وضع آنقدر خراب شده بود که دستور تیر برای من و یکی دیگر از نمایندگان که عضو نهضت آزادی بود، صادر کرده بودند. این مطلب را یکی از فرماندهان پاسداران منطقه که پدرش کارگر نفت بود، به اطلاع من رسانیده و گفت فلانی مواظب باشید که حکم تیر شما و امینیان آمده است. در سال ۶۲ نیز سرانجام به اتهام فعالیت و همکاری با گروه‌های سیاسی از کار اخراج و کارکردن در موسسات دولتی نیز منع گشتم. یادم رفت بگویم که یکی از نمایندگان نیز به جرم فداکاری از مجاهدین خلق اعدام شد، سه نفر دیگر هم به همین عنوان اکثرتی و راه کارگری به زندان افتادند.

به نظر شما علت این‌که اتحادیه‌های کارگری که در مقاطع مختلف تاریخ جنبش کارگری ایران به‌وجود آمده‌اند ولی نتوانسته‌اند، دوام یابند، چیست؟ علت گوناگونی دارد. مهم‌ترین علت، نبود آزادی و دیکتاتوری در کشور بوده است. مثلاً بعنوان نمونه عرض کردم که ما در اوایل انقلاب در شرایطی قرار داشتیم که می‌شد گفت زمین تشکیلات اتحادیه‌ها در ایران به‌وجود آمده و در همان سال اول انقلاب نیز تشکیلات شورائی و سندیکائی نیرومندی به‌وجود آمدند. اما همان‌طور که می‌دانید با بازگشت دیکتاتوری همه آن رشته‌ها دوباره پینه شدند. یکی از علل دیگر مسئله جوش خوردن و ادغام احزاب و اتحادیه‌ها در پاره‌ای اوقات بوده است. به‌عقیده من اتحادیه‌ها باید از احزاب سیاسی و دولت‌ها مستقل باشند تا بتوانند در بین کارگران نفوذ بیشتری پیدا کنند. البته همان‌طور که گفتم مسئله اصلی در ایران دیکتاتوری است. نبود آزادی است، چه بسا آزادی در جامعه وجود داشت احزاب و اتحادیه‌ها به‌تدریج روابط معقولی پیدا می‌کردند.

به نظر شما روی کار آمدن دولت خاصی باعث چه تغییراتی در جامعه و به‌هنگ کارکنان شده است؟ خاتمی اگر می‌خواست برای کارگران کاری بکند و یا اگر می‌توانست، که می‌بایستی حداقل در طول نزدیک به چهار سال که رئیس جمهور بود می‌کرد. او دهها نامه و درخواست کارگران در زمینه رسیدگی به مسائلشان را به کلی بی‌جواب گذاشته است. او اگر مشکل اقتصادی دارد، پس چرا اجازه فعالیت آزاد به تشکیلات کارگری را نمی‌دهد، چرا در اجرای قوانین سازمان بین‌المللی کار (مواد ۹۸ و ۸۷ سازمان بین‌المللی کار) خودداری می‌کند. به نظر من دلیل اینکه دولت به تشکیلات کارگری اجازه فعالیت نمی‌دهد، این است که



اینکه بتوانیم بهتر با مردم باشیم و اعلام همبستگی کنیم برای تظاهرات و تحصن به جلوی اداره شرکت نفت در خیابان تخت جمشید، دانشگاه تهران و یا بهشت زهرا می‌رفتیم. آیا پس از آغاز اعتصاب جریان نفت به کلی قطع شد؟ بله نه تنها جریان نفت بلکه تولید و پخش بسیاری از فرآورده‌های نفتی نیز قطع شد حتی توزیع نفت در داخل نیز برای مدتی قطع شد.

به نظر شما که یکی از دست‌اندرکاران این قضیه بودید، اعتصاب شما در پیروزی انقلاب چقدر نقش داشت؟ خیلی زیاد، شاهرگ اقتصاد یک کشور تک‌محصولی در دست ما قرار داشت، بدون پول نفت همه چیز در این مملکت متوقف می‌شد. زمانی که توزیع نفت در داخل را قطع کردیم، مهندس بازرگان از ما خواهش کرد که توزیع نفت در داخل را قطع نکنیم و آن را مجدداً برقرار سازیم. ما در ابتدا موافقت نکردیم اما پس از آنکه فهمیدیم که افکار عمومی نیز خواهان ادامه توزیع نفت می‌باشد، برای کمک به پایداری مردم توزیع نفت را در داخل دوباره برقرار کردیم.

انگیزه کارکنان برای حمایت از انقلاب و شرکت در انقلاب چه بود؟ آیا انگیزه‌ها صنفی بود و یا سیاسی؟ انگیزه‌ها بیشتر سیاسی بود، زیرا که وضع معیشتی و زندگی کارگران نفت خیلی بد نبود. البته دستمزدها بالا نبود، اما کمک‌های غیرمستقیمی که می‌دادند به بهبود زندگی کارگران کمک می‌کرد. در قطعنامه‌هایی که در آن زمان صادر می‌شد هم خواسته‌های سیاسی و هم خواسته‌های صنفی وجود داشت. اما به‌عقیده من انگیزه‌ها بیشتر سیاسی بود تا صنفی. این را هم بگویم که ما پس از تشکیل شورای سراسری کارکنان صنعت نفت با اینکه عمر شورای سراسری کوتاه بود کارهای صنفی زیادی برای کارکنان کردیم که البته پس از انحلال و سرکوب شورا همه آن دستاوردها را نیز یکی پس از دیگری پس گرفتند.

از بعد از انقلاب بگویند، منلورم این است که آیا پس از انقلاب وضع کارکنان بهتر شد؟ اگر منظورتان از بعد از انقلاب تا الان است، نه، نه تنها بهتر نشده که صدمه‌تبه هم بدتر شده است. اما اگر منظور سال‌های اول انقلاب است، بلکه در سال‌های اول پس از انقلاب وضع بهتر بود. آزادی‌هایی به‌وجود آمده بود که گذشته وجود نداشت و تشکیلات کارگری کامیاب نیرومندی به‌وجود آمدند، در اول ماه مه صدها و بلکه میلیون‌ها نفر در سراسر کشور به خیابان می‌آمدند، بحث قانون کار چه برای کارگران و لغو قوانین ارتجاعی در قانون کار سابق در جریان بود، صحبت از آزادی، عدالت اجتماعی و غیره بود. روزنامه‌های آزاد به‌وجود آمده بودند و احزاب و سازمان‌های اجتماعی امکان فعالیت یافته بودند. زمینه تشکیلات اتحادیه سراسری مستقل کارگری نیز فراهم شده و اگر پروسه پس از انقلاب کمی طولانی‌تر می‌شد چه بسا این امر نیز محقق شده بود.

برخورد مقامات شرکت نفت پس از پیروزی انقلاب با شما چگونه بود؟ خیلی بد بود. در همان اوایل انقلاب که آقای معین فر وزیر نفت بودند، روزی من و چند تن از نمایندگان شورای سراسری کارکنان نفت راه ملاقات او بردند، آقای معین فر سخنان خود را با وعده سرکوب آغاز کرد و در بخشی از

جشن سی‌امین سالگرد جنبش فدائیان خلق ایران در برلین 2.3.2001 Aite TW Mensa · Hardenbergstr. 35

# باز هم سخنی با رئیس جمهور و اصلاح طلبان اسلامی

مجید عبدالرحیم پور

بخش یابانی

۳- عبور از فرامین و احکام رهبر، در لحظه کنونی، راهگشای اصلاح طلبان اسلامی در مسیر اصلاحات است؛  
بظن می‌رسد اکثر نیروهای سیاسی موافق و مخالف اصلاحات علیرغم تعلقات فکری و سیاسی در یک نکته اشتراک نظر دارند که، اصلاح طلبان اسلامی برای پیشبرد برنامه و تحقق عملی شعارها و وعده‌های خود، در لحظه کنونی دچار بن‌بست شده‌اند. آنها هر اقدامی را در جهت عملی کردن برنامه و شعارهای خود انجام می‌دهند توسط فرامین و احکام و اقدامات جناح مقابل و رهبر خنثی می‌شود. تداوم طولانی مدت چنین وضعیتی، اگر منجر به مرگ سیاسی اصلاح طلبان اسلامی نشود، قطعاً به شکست سنگین سیاسی آنها منجر خواهد شد. از نظر من، اگر اصلاح طلبان اسلامی خواهان برون رفت از بن‌بست کنونی هستند و اگر می‌خواهند گام‌های سازنده مهم و موثر در ادامه دوم خرداد و ۲۹ بهمن بردارند، ناگزیر از اصلاح سیاستهای راهبردی و کاربردی خود می‌باشند. اصلاح طلبان اسلامی، قبل از اینکه به آرای بیش از ۲۰ میلیون رای برای نامزد مورد نظر خود در انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری

روشن است که این سه مولفه در لحظه کنونی پیوند درونی دارند و یکی بدون دیگری نمی‌تواند کارساز و سازنده باشد. مراجعه و تکیه بر مردم بدون دفاع از حقوق طرفداران جنبش جامعه مدنی و بدون اتخاذ سیاست عبور از سیاستها و احکام ولی فقیه، در عمل بمعنای استفاده ابزاری از مردم است. رئیس جمهور و دیگر اصلاح طلبان اسلامی مدام تکرار می‌کنند که مردم، سرور و سالار و محور و مدار هستند ولی هنگامی که ولی فقیه و نهادهای وابسته به او، در برابر سیاستها و برنامه‌های منتخبین همین مردم قرار می‌گیرد، سیاست اصلاح طلبان بر مدار و محور احکام و فرامین رهبر می‌چرخد. این سیاست و روش باید اصلاح شود. در لحظه کنونی، اصلاح طلبی در چارچوب احکام و سیاستهای ولی فقیه، پره‌زندن حول اصلاحات است. اصلاح طلبان اسلامی و بخشی از اصلاح طلبان سکولار هر آینه بخواهند مثل سه سال و نیم گذشته، در چارچوب ولایت مطلقه فقیه و در وحشت از برخورد با سیاستها و احکام ولی فقیه بمانند، به این وحشت دام‌نمزد بزنند و جامعه را نیز به چنین روانشناسی گرفتار سازند،

**در لحظه کنونی، پذیرش عبور از سیاستها و احکام خودکامه ولی فقیه از جانب رئیس جمهور و مجلس و دیگر اصلاح طلبان اسلامی، خود از مهمترین اصلاحات و راهگشای اصلاح طلبان اسلامی در مسیر اصلاحات و توسعه سیاسی است.**

شکست سخنی را نصیب خود و هم نصیب جامعه خواهند کرد. جناح مخالف اصلاحات با اقدامات و تبلیغات وسیع خود به اندازه کافی وحشت آفرینی می‌کند لازم نیست اصلاح طلبان نیز در عمل به مبلغین آنها بدل شوند. در لحظه کنونی، پذیرش عبور از سیاستها و احکام خودکامه ولی فقیه از جانب رئیس جمهور و مجلس و دیگر اصلاح طلبان اسلامی، خود از مهمترین اصلاحات و راهگشای اصلاح طلبان اسلامی در مسیر اصلاحات و توسعه سیاسی است. اگر قبلاً توهمی نسبت به رهبر وجود داشته، امروز کاملاً روشن شده است که رهبر و نهادهای وابسته به او، نه تنها مخالف سرسخت جنبش جامعه مدنی بلکه مخالف شعار امروری اصلاح طلبان اسلامی نیز هستند. طرفه‌درفتن از برخورد با ولی فقیه، نه تنها راهگشای اصلاحات نبوده بلکه از عوامل مهم تعرض و پیشروی او و جناح مخالف اصلاحات علیه اصلاح طلبان اسلامی و دیگر نیروهای سیاسی کشور بوده است. هم تئوری و هم تجربه نشان می‌دهد که نمی‌شود هم مجری فرمانهای خودکامه شد و استغفای وزرانی نظیر نوری و مهاجرانی و دستگیری و زندانی شدن فله‌ای زنان و مردان سیاسی و فرهنگی کشور را در عمل پذیرفت و هم اصلاحات را پیش برد و در جهت توسعه سیاسی حرکت کرد.

ادامه استراتژی آرامش فعال، یعنی ادامه رفتار «کجدار و مریز» با مردم و اصلاحات. جدا از اینکه طراحان استراتژی آرامش فعال چه می‌گویند، این استراتژی در عمل بمعنای اصلاح طلبی در چارچوب سیاستها و فرامین رهبر بوده و هست. تداوم این سیاست یعنی ادامه اجرای فرامین و سیاستهای ولی فقیه در عمل و دفاع از اصلاحات در سخن، یعنی مبارزه با جناح مقابل بعنوان مخالف اصلاحات و گریز از مخالفت با سیاستها و فرامین رهبر و توجیه

پنیدشد و قبل از اینکه از فرامین سخن بگویند، باید تکلیف خود را با سیاستها و روشهای تاکتونی خود روشن کرده و به مضمون سیاست و چگونگی شرکت در انتخابات بپنیدشد. مگر ۲۰ تا ۲۶ میلیون نفر از شهروندان جامعه، در دوم خرداد و ۲۹ بهمن به شعارها و برنامه‌های اعلام شده اصلاح طلبان اسلامی رای ندادند و رئیس جمهور و مجلس ششم را برای مهندسی عملی و مدیریت این برنامه و شعارها انتخاب نکردند؟ و مگر جناح مقابل رهبر مانع اصلاحات وزیر ارشد و اصلاحات حتی کمرق مجلس نشدند؟ آیا اصلاح طلبان اسلامی می‌خواهند همان برنامه و شعارها و حرفهای چندساله را مجدداً به رای مردم بگذارند و این بار تحت عنوان فرامین؟! اگر شورای نگهبان گفت که فرامین مغایر قانون اساسی است و رهبر حکم داد که فرامین امنیت نظام را به خطر می‌اندازد، اصلاح طلبان اسلامی چه خواهند کرد؟ آیا باز هم خواهند گفت که برخورد با رهبر درست نیست، به صلاح نیست و بدین ترتیب به عقب‌نشینی دیگری گردن خواهند گذاشت؟ بظن می‌رسد اصلاح طلبان اسلامی از همه چیز سخن می‌گویند و به همه چیز فکر می‌کنند و افکار آشفته خود را به جامعه می‌ریزند بجز موضوع اصلی. اگر اصلاح طلبان اسلامی خواهان برون رفت از وضعیت کنونی هستند. قبل از هر چیز باید سیاستها و روشهای خود را اصلاح کنند. از نظر من این اصلاح در لحظه کنونی دارای سه مولفه است:

اول گزارش روشن به مردم و مراجعه و تکیه به آدوری و نیروی مردم؛  
دوم دفاع آشکار از حقوق طرفداران جنبش جامعه مدنی و مراجعه به این نیروها؛  
سوم عبور از احکام و فرامین خودکامه ولی فقیه و نهادهای وابسته به او که مخالف اصلاحات هستند.

مخالفت او با اصلاحات یعنی کوشش برای حفظ مردم و تلاش برای طرفه‌درفتن از مخالفت با سیاستها و روشهای رهبر و توجیه آنها. این سیاست و روش، بمدت سه سال و نیم آزمایش و تجربه شده و نتیجه‌اش روشن است. اصلاح طلبان پیگیر اسلامی اگر خواهان برون رفت از وضعیت کنونی در مسیر اصلاحات و توسعه سیاسی هستند باید با تکیه به مبارزات سازمان‌یافته و مسالمت‌آمیز مردمی و مراجعه به نیروهای فکری فرهنگی و سیاسی جنبش جامعه مدنی، سیاست عبور از فرمان ولی فقیه و نهادهای وابسته به او را، بمنابیه سیاست کاربردی در دستور کار خود قرار دهند. من فکر می‌کنم اتخاذ و کاربست سیاست عبور از فرمان ولی فقیه، بعنوان سیاست روز، راهگشای اصلاح طلبان اسلامی در مسیر اصلاحات و راهگشای اصلاحات در مسیر سیاست راهبردی جنبش مدنی در شرایط کنونی است. روشن است که ظرفیت و برد سیاست عبور از فرمان ولی فقیه، تا کشودن راه برای اصلاح طلبان اسلامی در جهت پاره‌ای از اصلاحات است و جامعه و مردم ایران در حد این یا آن اصلاح متوقف نشده و تا اصلاح و تغییر قانون اساسی براساس آزادی، دموکراسی، استقلال دین و دولت، حق حاکمیت مردم و جمهوری و عدالت اجتماعی و منافع ملی پیش خواهد رفت. سیاست عبور از فرمان ولی فقیه در خدمت و راستای این اهداف و سیاست راهبردی است. البته آقای خاتمی و دیگر اصلاح طلبان علیرغم عقب‌نشینی‌ها و نسیان‌های کارها و سردرگمی‌هایشان، هنوز همه امکانات و فرصت‌ها را از دست ندادند. آنها اگر بخواهند و درایت و جسارت و عزم لازم برای عبور از خود و عبور از فرامین نهادهای خودکامه وابسته به جناح مقابل و ولی فقیه را داشته باشند، می‌توانند با مراجعه به مردم و آزادخواهان کشور، راه را برای برون رفت از وضعیت کنونی و آغاز اصلاحات باز کنند. ملت ایران خدمات و ابتکارات و اقدامات جسورانه اولیه رئیس جمهور و دیگر اصلاح طلبان اسلامی را فراموش نکرده‌اند. اما به نظر می‌رسد خاتمی در شرایط بسیار پیچیده و حساس سیاسی قرار گرفته و در نتیجه فشارهای چندجانبه‌ای که از طرف جناح مقابل و رهبر از یکسو، و اصلاح طلبان پیگیر اسلامی و نیروهای سکولار و مردم از سوی دیگر بر او وارد می‌شود، دچار سردرگمی سیاسی شدیدی شده است. بعنوان نمونه او چندین ماه پیش، قبل از هر کسی آمادگی خود را برای کاندیداتوری انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری اعلام کرد. بعد گفت که هنوز راجع به کاندیداتوری خود فکر می‌کند، ابتدا استغفای وزیر ارشد را قبول نکرد، بعد گفت که سخن از تغییر قانون اساسی خیانت به ملت است و بعد استغفای وزیر ارشد را بآ خود و تاسف پذیرفت و بعد ...؟

**مردم ایران رئیس جمهوری می‌خواهند**

**که خدمتگزار و پاسخگوی آنها باشد نه خدمتگزار و پاسخگوی ولی فقیه.**

مدنی پالایش پیدا کرده و در سمت عبور از ولایت فقیه و استقلال دین و دولت قرار گیرد. آینه‌نگار رئیس جمهور و بخش مهمی از اصلاح طلبان اسلامی کوشش می‌کردند و می‌کنند رهبر را به سمت خود جلب و یا بی‌طرفش بسازند صرفاً یک تاکتیک سیاسی برای تضعیف جناح مقابل نیست بلکه بازتابی از ژرفش و گسترش جنبش جامعه مدنی نیز است. آینه‌نگار رئیس جمهور در عرض سه سال و نیم، از نقض قانون اساسی توسط نهادهای و نمادهای ولایت فقیه و دیگر اعمال ایران برپادده جناح مقابل، به مردم گزارشی نداده است. آینه‌نگار می‌نامزد انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری می‌شود و گاه به تردید می‌افتد، از یکسو می‌گوید اختیارات کافی ندارم و از سوی دیگر سخن از تغییر قانون اساسی را خیانت به ملت اعلام می‌کند و ... نمونه‌هایی از بحران تجزیه است که آقای خاتمی و اصلاح طلبان اسلامی دچار آن هستند. اما حقیقت این است که آقای خاتمی چه نگران باشد و چه نباشد، چه از خود عبور کند و سیاست متناقض و دوگانه خود را در سمت عبور از فرامین ولی فقیه و تکیه بر مردم

فرض مثال تا آنجا برسانند که چون فرزند کوچک است، مصلحت است زن در خانه بماند.» وی معتقد است: «اختیار بیش از حد و حصر قضا که مرد هستند، طبیعتاً در برخورد با این مسئله موضع‌گیری کرده و از دید خود مصلحت خانواده را تشخیص می‌دهند. چرا ماده‌ای در قانون نیست که مصلحت خانوادگی را تشخیص دهد و مرد را از شغلی که حیثیت خانوادگی را زیر سؤال می‌برد، منع کند.» او معتقد است: «مزایای زنان شاغل در شرایط کار مساوی کمتر از مردان است. حق تاهل، حق فرزند و بسیاری از ماموریت‌های مهم در اختیار مردان قرار دارد. مضافاً اینکه بیشتر پست‌های پر درآمد مدیریتی بد مدت در مردان می‌باشد. چرا سازمان‌ها و ادارات کمتر در طرح‌ریزی و برنامه‌هایشان با زنان مشورت می‌کنند. اعطای حق آموزش و اشتغال، در کنار از میان برداشتن موانع فرهنگی و حقوقی می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های زنان در کلیه رشته‌های تولیدات صنعتی

آزادخواهان کشور اصلاح بکنند یا نکنند، جنبش مدنی با همه افت و خیزهایش در سمت سیاست راهبردی عبور از ولایت فقیه و استقلال دین و دولت و تامین آزادی و دموکراسی و جمهوریت و حاکمیت مردم حرکت می‌کند و خواهد کرد. این نیاز جامعه و مردم ایران در دنیای امروز است. جنبش جامعه مدنی در کشور ما، ساخته و پرداخته ذهن این یا آن رئیس جمهور و حزب اسلامی و غیراسلامی نیست، و اساساً یک چیز صرفاً ذهنی نیست که با تداوم تناقضات فکری - سیاسی رهبران و یا تصحیح آنها، تداوم پیدا کند یا نکند. جنبش جامعه مدنی برآمده از تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فکری - فرهنگی تاریخاً شکل‌گرفته در ایران و شکل‌تعیین‌یافته نیازها و ضرورت‌های جامعه ایران در مسیر گذار به جامعه مدنی در مقطع کنونی است. بررسی تاریخی - منطقی (تاریخی - سیستمی) تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی، فکری - فرهنگی و سیاسی جامعه ایران از جمله در دهه بعد از انقلاب، نشان می‌دهد که سیستم ولایت فقیه بمنابیه سیستم فکری - فرهنگی، آرمسانی، اخلاقی، حقوقی و سیاسی، نتوانست خود را از طریق آموزش و پرورش و از طریق کنترل اجتماعی و سیاسی منکی بر زور و خشونت، به خود جامعه معاصر ایران بدهد. جامعه ایران نه تنها ولایت فقیه را از آن خود نکرده است بلکه بستدریج آنرا دچار از هم‌گسیختگی و از درون‌پاشیدگی کرده، اقتدارش را پس زده و می‌زند. همه وحشت جناح حاکم و رهبر ناشی از پیشرفت این روند است. تغییر و تحولات و روند پالایش فکری و فرهنگی و سیاسی و تجزیه نیروهای جنبش دوم خرداد که تحت رهبری اصلاح طلبان اسلامی قرار گرفت، نیز بازتابی از ژرفش و گسترش این روند عمومی است. البته شناخت و درک این نیازها، ضرورت‌ها و روندها و اتخاذ سیاست راهبردی و کاربردی منطبق با نیازهای جامعه و جنبش مدنی توسط اصلاح طلبان اسلامی، بویژه توسط شخصیت‌هایی نظیر آقای خاتمی با توجه به موقعیتی که آنها پیدا کرده‌اند می‌تواند گره‌گشای تنگنای کنونی اصلاح طلبان اسلامی شده و به روند اصلاحات شتاب ببخشد. بخاطر همین، نیروهای جنبش جامعه مدنی باید کوشش کنند این نیروها در چنین ستمی حرکت کنند. حرکت آنها در چنین ستمی، هم بسود جامعه و مردم ایران است و هم به مصلحت آنها. اما درجاذبه آنها در چینه سیاست مبتنی بر کوشش برای اصلاحات از یکسو و تمکین به فرامین رهبر و نهادهای وابسته به او از سوی دیگر، جنبش اصلاحات و جنبش مدنی را با مشکلات جدی مواجه ساخته و خواهد ساخت. آینه‌نگار آقای خاتمی با استفاده از تجارب چند سال اخیر جنبش که در واقع تبلور تجارب صدساله ملت ایران در مقطع کنونی است، خواهد توانست نگرش و سیاستهای خود را در جهت انطباق با نیازها و ضرورت‌های جامعه کنونی ایران و جهان معاصر، اصلاح کرده و از خود عبور کند یا نه برای نگارنده روشن نیست ولی این روشن است که منافع و مصالح مردم ایران و جامعه ما و شخص آقای خاتمی ایجاب می‌کند که ایشان نظراً و عملاً چنین مسیری را طی کنند. در کنار مردم‌ماندن، رئیس جمهور سردم‌بودن و پاسخگوی مردم بودن، هیچ سختی بر سرور و سالار و محور و مدارکردن ولی فقیه و تمکین به فرامین او ندارد. پاسخگوی بودن به رهبر بجای پاسخگو بودن به مردم، هیچ ارمغانی برای مردم نداشت و ندارد. من آرزو می‌کنم، رئیس جمهور محترم قبل از انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری و از همین امروز پاسخگوی مردم باشد. مردم ایران رئیس جمهوری می‌خواهند که خدمتگزار و پاسخگوی آنها باشد نه خدمتگزار و پاسخگوی ولی فقیه. □

که در قوانین منعی برای زن وجود ندارد. در این زمینه دولت طرح حذف لفظ زن و مرد از قوانین مربوط به استفاده دولتی، تامین اجتماعی و کارهایی در دست بررسی دارد که امیدواریم در مورد اشتغال بانوان موثر واقع شود. تفاوت حقوق و مزایای زن و مرد خلاف قانون اساسی و کار است، هر چند که مزایای پرداختنی به مرد به عنوان حق‌السعی تلقی می‌گردد. توانایی‌های زنان برکسی پوشیده نیست و نقش زن در جامعه امروز زنان بر اهمیت روزافزون نیروی انسانی بایستی مورد توجه قرار گیرد. خدمت زن در ادارات، دستگاه‌های دولتی و خصوصی از نظر فرهنگی اجتماعی اقتصادی حائز اهمیت بوده و لذا اشتغال زنان و مشکلات شغلی آنان باید شناخته شود و از همه مهم‌تر با ایجاد یک آمادگی روانی در جامعه، فکر غلطی را که زن نمی‌تواند کار کند به کنار گذاشته شود و زمینه‌های مساعد جهت اشتغال بانوان در راستای علایق و استعدادها و حقوق آنان فراهم شود. □

کسور و کشاورزی و سطوح مدیریتی باشد. در این رابطه اصل ۲۱ قانون اساسی در بند اول خود ایجاد زمینه‌های مساعد رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را مورد تأکید قرار داده است.» خانم جلودار زاده نماینده مجلس معتقد است: «عدالت ایجاب می‌کند که زن و مرد با هم در صحنه اجتماع حضور داشته باشند. دنیا به این نتیجه رسیده است که از زنان به واسطه برخورد عاطفی‌تر با مسائل نسبت به خشونت طلبی مردان، در امور سیاسی استفاده کنند. زن به عنوان عضوی از مجموعه انسانی از حق‌کارکردن بهره‌مند است و دولت‌ها موظفند که این حق را بطور برابر برای آنان فراهم کنند و در این زمینه زنان خودسرپرست در اولویت قرار دارند.» وی در مورد اولیتهای استخدامی می‌گوید: «هنوز در بخش‌هایی از رشته‌های دانشگاه آزاد، فقط مردان پذیرفته می‌شوند یا در آگهی‌های استخدام جنسیت مرد را مطرح می‌نمایند در حالی

عدم جلب مشارکت زنان به شمار می‌رود. بر همین اساس است که زنان در مجلس شورای اسلامی در اقلیت آشکارند و در هیئت دولت و در کارهای سیاسی عمده کشور حضور ملموس ندارند هرچند که بعد از دوم خرداد مشارکت زنان در این زمینه‌ها با مقایسه دوره‌های قبل بیشتر شده است. روح‌انگیز درخشان‌نیا کارشناس حقوقی می‌گوید: «مهم‌ترین مانع قانونی در اشتغال بانوان ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی است که مقرر داشته، مرد می‌تواند در صورت مغایرت با مصالح خانوادگی حیثیت خانواده زن را از اشتغال منع نماید به این ترتیب با تمایل مرد، زن هرچند که فردی توانمند و مستعد در اشتغال و ارائه خدمات به جامعه باشد از حضور در اجتماع منع خواهد شد و قضیه زمانی بغرنج‌تر به نظر می‌آید که قانون هیچ تعریفی از مصالح خانوادگی و حیثیت خانواده به عمل نیاورده و این امر به اختیار قاضی دادگاه گذاشته شده است. قضاوت هم باتوجه به افکار و روحیات خانوادگی می‌تواند دامنه این مصالح را افزایش دهند و بر

## زنان و اشتغال

ادامه از صفحه ۵

مشاغل اجتماعی است به عنوان مثال دادن اولویت استخدام به مردان در شرایطی که جامعه به سمت تولید در رشد اقتصادی حرکت می‌کند به معنای منفعل کردن زنان و حاشیه‌نشین‌ساختن آنهاست. یک صاحب نظر معتقد است: «در شرایطی که قانون کار و دیگر قوانین استخدام زن را منع نکرده است، هیچ دلیللی ندارد که کارفرمایان در اطلاعاتی‌های استخدامی از مشاغل که از توانایی و تخصص زنان خارج نیست فقط مردان را بپذیرند.» مشکلات و خطاهای مربوط به قوانین و آیین‌نامه‌ها که موقعیت زنان را تضعیف می‌کند، نبود زمینه‌های مساعد برای ورود زنان به سمت‌های کلیدی و مدیریتی که مناسب با توانایی و تخصص آنها، عدم زمینه مشارکت فعال سیاسی زنان در حد متناسب و برخی ضرورت‌های اجتماعی از موانع

# حرکت اعتراضی مشترک پنج سازمان سیاسی

## ویک تشکل دمکراتیک در هلند

پس از دو ماه بحث و مذاکره، پنج سازمان سیاسی و یک تشکل دمکراتیک متقیم هلند جهت برگزاری یک حرکت اعتراضی در حمایت از مبارزات مردم کشورمان بر علیه پیش از دو دهه تداوم شکنجه، قتل، غارت، نقض خشن و سیستماتیک حقوق بشر و نیز سرپوش نهادن بر واقعیت قتل‌های زنجیره‌ای، به توافق رسیدند.

در برگزاری این گروه‌های فئدائیان کانون زندانیان سیاسی ایران، سازمان اتحاد فئدائیان خلق ایران، سازمان اتحاد فئدائیان کونیست، حزب توده ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راد کارگر) و سازمان فئدائیان خلق ایران - (اکثریت)، شعبه‌های هلند شرکت داشتند.

سازمان‌های مذکور اشراف داشتند که تفاوت‌های دیدگاهی با هم دارند. اما در عین حال واقف بودند که نیاز به یک حرکت متحدانه جهت حمایت از مبارزات مردم ما در داخل کشور وجود دارد. آنها در راه عملی کردن این مهم، بر سر حداقل‌های زیر به تفاهم رسیدند:

- خودداری از دادن و یا نوشتن شعارهای مرگ بر... سرنگون‌باد... و مشابه؛

- خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی از هر فرقه و گروهی هستند و تفاوتی میان زندانیان مذهبی و لائیک قابل نیستند.

- همه حکومت اسلامی را مسئول فجاج اخیر می‌دانند.

- اعتقاد به بکارگیری زبان سیاسی دارند و از توهین به سایر نیروها خودداری می‌کنند.

علاوه بر سازمان‌های برگزارکننده، جبهه ملی ایران، پلاتفرم سازمان‌های پنهان‌نگی ایران، تریونال بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی و حزب چپ - سبز هلند از قطعنامه پیشنهادی حمایت کامل کردند.

کانون زندانیان سیاسی ابتکار عمل و دعوت از سازمان‌های میزبیر را به عهده داشت، آکسیون روز شنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۰۱ با ۲۰۰۰ جمعیتم در عیلاقندان در مقابل ساختمان پارلمان هلند در شهر دنهاگ (لاها) شروع شد.

شرکت‌کنندگان پس از شنیدن قطعنامه و پس از راهپیمایی در سالی گردهم آمدند و در اینجا نمایندگان پنج سازمان سیاسی برگزارکننده این همایش به تشریح نظرات خود پیرامون «وضع سیاسی کشور، تحلیل از حاکمیت جمهوری اسلامی و راه‌های استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در ایران» پرداختند.

به نقطه چرخش نزدیک می‌شویم در زیر خلاصه‌ای از گفتار سخنرانان را ملاحظه می‌کنید.

بهزاد کریمی عضو شورای مرکزی سازمان فئدائیان خلق ایران «اکثریت»

تا آنجا که به خاطر می‌آورم، هنوز آکسیون را بیاد ندارم که این همه نام از طیف‌های مختلف چپ زیر آن را امضا کرده باشند. و کنار این طیف، حضور نیروهای ملی و سازمان‌های دمکرات نیز قابل توجه است. این حرکت فقط محصول تکامل شرایط ذهنی نیست بلکه از احساس مسئولیت در قبال لحظه سیاسی که اکنون کشور ما در آن بسر می‌برد، نیز سرچشمه می‌گیرد.

وضع سیاسی در کشور ما به نقطه چرخش خود نزدیک می‌شود. مضمون این چرخش متوجه دگرگونی ساختار قدرت حاکم است و تحول پیش‌رو، ناظر بر تغییرات در قانون اساسی کنونی می‌باشد. موضوع حالا دیگر در حد اعتراض به نظرات استصوابی فقهی شورای نگهبان نیست بلکه کابل ارگان‌های منصوب ولی فقیه و خود بازگاد ولایت فقیه است که زیر سوال رفته است. این بحران حاد نتیجه حضور فعال مردم در صحنه سیاست و بهره‌گیری هشیارانه آنان از تناقضات قانون اساسی نظام حاکم است. مردم پای صندوق‌های رای می‌روند و با استفاده از حق انتخاب بسیار محدودی که دارند، فردی از میان کاندیداهای حکومتی را رئیس جمهور می‌کنند و نیز از میان آنانی که از صافی شورای نگهبان گذشته‌اند، اکثریتی را در مجلس شکرلی می‌دهند که سخن از اصلاحات گفته‌اند. با این حال نیاز مشاهده می‌کنید که رئیس جمهور منتخب آنها در چنین نهادهای انتصابی ولی فقیه دست و پا می‌زند و مجلس برگزیده آنان با یک حکم ولایت فقیه زمین‌گیر می‌شود. آیا چنین وضعی می‌تواند ادامه یابد؟ مسلماً خیر! روشن است که لحظه تکلیف قرارسیده است. دیر و زود دارد اما سوخت و سوری درکار نخواهد بود.

اکنون صف‌ارائی سیاسی در جامعه ما هر چه بیشتر حول تضاد جمهوریت و فقاقت شکل می‌گیرد. بخش‌های مدام افزونتری از اصلاح‌طلبان حکومتی هم در عرصه نظری و هم در حیطه اقدام سیاسی به مقابله با اختیارات ولی فقیه برخاسته‌اند و خواهان تعویض این

اصلاح‌طلبان هرگز نمی‌خواستند که با تکیه بر مردم به جنگ ولایت فقیه بروند و حتی جانی که حس کردند ممکن است اوضاع از دستشان خارج گردد، به جای خامنه‌ای، این خاتمی بود که خط قرمز کشید. هرچه بیشتر زمان می‌گذرد، می‌فهمیم که اصلاح‌طلبان چون به مردم تکیه نکردند، موفق نشدند. و هرگاه به مردم تکیه کنند، همچنان که بازرگان گفت، به جای باران با سیل روبرو خواهند شد.

این وحشت از مردم آنها را به سیاست ساش از بالا و تسکین به ولایت فقیه واداشت. من متأسفانه چشم‌انداز و امکان عقب‌نشینی ارام این رژیم و رفتن کشور به سوی دمکراسی را نمی‌بینم. جناح رادیکال اصلاح‌طلبان که خواهان تکیه بر مردم هستند، قطعاً از جناح‌های دیگر جدا خواهد شد و خودی‌ها به غیر خودی‌ها تبدیل خواهند گشت.

سخنران سوم، ارژنگ بامشاد «راه‌کارگر» حوادث پس از انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی و بویژه حوادث چند ماه اخیر نشان داده است که جنبش اصلاح‌طلبی حکومتی به بن‌بست رسیده و شکست خورده است. این بن‌بست تناقضات پلاتفرم (قانون اساسی) این جنبش را آشکار نمود و رودرویی مستقیم مردم با دستگاه ولایت را تشدید کرده است و همین امر حرکت گسترده توده‌ای را از فاز حرکت‌ها و اقدامات قانونی به فاز حرکت‌های فراقانونی و گسترش نافرمانی مدنی سوق داد.

بن‌بست و شکست جنبش اصلاح‌طلبی و گسترش حرکت‌های انقلابی پرسوسه تجزیه در میان اصلاح‌طلبان را نیز تشدید کرده است: اصلاح‌طلبان محافظه‌کار به گسترش حمایت‌خواهان روی آورده‌اند. اصلاح‌طلبان رادیکال بیش از پیش به اصلاح‌طلبان غیرمعتد به قانون اساسی نزدیک شده‌اند و اصلاح‌طلبان غیرمعتد به قانون اساسی تمرکز حلات خود به دستگاه ولایت را تشدید کرده و به سمت براندازی نزدیک شده‌اند. این تحولات نشان می‌دهد روندی که خواهان تغییر این رژیم بود و روندی که خواهان اصلاح آن، در حال نزدیک شدن به هم است.

گسترش حرکت‌های توده‌ای و رودرونی مستقیمشان با دستگاه ولایت و گسترش شکاف در میان اصلاح‌طلبان، دستگاه ولایت را در اعمال واکنش‌ها و سرکوب جنبش مصمم کرده است. دستگاه ولایت سیاست سرکوب هم‌زمان جنبش اصلاح‌طلبی و جنبش توده‌ای را پیش برده است و با سرکوب اصلاح‌طلبان رادیکال و

اسلامی را فرا گرفته بود. نیروی از درون همین حکومت که می‌گوید، با تغییراتی در جمهوری اسلامی برای حفظ آن باید کوشید. رسالتش هم در همین حد است و از او انتظار انقلاب نباید داشت ولی او را با خامنه‌ای هم نباید یکی دانست!

اصلاح‌طلبان هرگز نمی‌خواستند که با تکیه بر مردم به جنگ ولایت فقیه بروند و حتی جانی که حس کردند ممکن است اوضاع از دستشان خارج گردد، به جای خامنه‌ای، این خاتمی بود که خط قرمز کشید. هرچه بیشتر زمان می‌گذرد، می‌فهمیم که اصلاح‌طلبان چون به مردم تکیه نکردند، موفق نشدند. و هرگاه به مردم تکیه کنند، همچنان که بازرگان گفت، به جای باران با سیل روبرو خواهند شد.

این وحشت از مردم آنها را به سیاست ساش از بالا و تسکین به ولایت فقیه واداشت. من متأسفانه چشم‌انداز و امکان عقب‌نشینی ارام این رژیم و رفتن کشور به سوی دمکراسی را نمی‌بینم. جناح رادیکال اصلاح‌طلبان که خواهان تکیه بر مردم هستند، قطعاً از جناح‌های دیگر جدا خواهد شد و خودی‌ها به غیر خودی‌ها تبدیل خواهند گشت.

سخنران سوم، ارژنگ بامشاد «راه‌کارگر» حوادث پس از انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی و بویژه حوادث چند ماه اخیر نشان داده است که جنبش اصلاح‌طلبی حکومتی به بن‌بست رسیده و شکست خورده است. این بن‌بست تناقضات پلاتفرم (قانون اساسی) این جنبش را آشکار نمود و رودرویی مستقیم مردم با دستگاه ولایت را تشدید کرده است و همین امر حرکت گسترده توده‌ای را از فاز حرکت‌ها و اقدامات قانونی به فاز حرکت‌های فراقانونی و گسترش نافرمانی مدنی سوق داد.

بن‌بست و شکست جنبش اصلاح‌طلبی و گسترش حرکت‌های انقلابی پرسوسه تجزیه در میان اصلاح‌طلبان را نیز تشدید کرده است: اصلاح‌طلبان محافظه‌کار به گسترش حمایت‌خواهان روی آورده‌اند. اصلاح‌طلبان رادیکال بیش از پیش به اصلاح‌طلبان غیرمعتد به قانون اساسی نزدیک شده‌اند و اصلاح‌طلبان غیرمعتد به قانون اساسی تمرکز حلات خود به دستگاه ولایت را تشدید کرده و به سمت براندازی نزدیک شده‌اند. این تحولات نشان می‌دهد روندی که خواهان تغییر این رژیم بود و روندی که خواهان اصلاح آن، در حال نزدیک شدن به هم است.

گسترش حرکت‌های توده‌ای و رودرونی مستقیمشان با دستگاه ولایت و گسترش شکاف در میان اصلاح‌طلبان، دستگاه ولایت را در اعمال واکنش‌ها و سرکوب جنبش مصمم کرده است. دستگاه ولایت سیاست سرکوب هم‌زمان جنبش اصلاح‌طلبی و جنبش توده‌ای را پیش برده است و با سرکوب اصلاح‌طلبان رادیکال و

### نواز از: جهان ولین یور (نواز شکر نشریه کار - هلند)

### ۵۰۰۰ کشته.....

ادامه از صفحه ۴

تحميل جس کرده‌اند که دو میلیون نفر آن در ارتباط با مواد مخدر بوده است. عیلقه‌ها طباطبائی می‌گوید عمق فاجعه اینجاست که جمعیت کشور در سال ۷۸ حدود ۶۳ میلیون برآورد شده است که از این رقم ۲۳ میلیون نفر زیر ۱۵ سال قرار دارند و قاعدتاً زندانی نشدند. از ۴۰ میلیون نفر دیگر ۲۰ میلیون نفر زن هستند و آمار زندهای زندانی تنها ۸ هزار نفر است، ولی از ۲۰ میلیون نفر بقیه حدود ۵ میلیون زندانی کشیده‌اند، یعنی از هر ۴ ایرانی یک نفر عیلقه‌ها طباطبائی این افزایش را نتیجه‌ی روش‌های غلطی می‌داند که در این سالها به کار گرفته شده است؛ ما زندان را انستقام از مجرم دانستیم، وی در توضیح این موضوع می‌گوید از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ حدود یک میلیون و ۴۶۰ هزار نفر وارد زندانهای کشور شده‌اند و یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از زندانها خارج شده‌اند. این آمار کثیری بالا بیانگر این واقعیت است که زندان اثر بازدارندگی خود را در جرم و پیشگیری از آن از دست داده است.

از سوی دیگر زندان‌های ما در نهایت آلودگی قرار دارند. استاندارد جهانی برای هر زندانی ۱۷ تا ۲۰ متر است در حالی که زندان‌های ما برای هر زندانی ۳ متر جادار. در کنار آن نگهداری هر زندانی برای دولت ماهانه ۴۰ هزار تومان هزینه دارد. شعاری که ما در اول انقلاب داشتیم که زندان‌ها را به دانشگاه تبدیل می‌کنیم متأسفانه متحقق نشده است و زندان‌ها ما تبدیل به آموزشگاه جرم شده است. در کنار زندان با افزایش مجازات معتادان و توزیع‌کنندگان عدای نیز اعدام شدند. اگر کسی بیش از ۳۰ گرم هروین و ۵ کیلو تریاک با خود داشت دادگاه برای او حکم اعدام صادر می‌کرد. در فاصله ۱۰ سال بیش از ۵ هزار نفر اعدام شدند. در این میان بیش از ۲۵۰۰ نفر از

### اقتصاد سیاسی.....

ادامه از صفحه ۱۲

اتحادیه اروپا در عرصه جهانی از ارزش چندانی برخوردار نیست. چرا که بازیگران اصلی اتحادیه اروپا تنها بر جنبه اقتصادی - مرکانتالیستی اصرار دارند و از آنجائی که اتحادیه اروپا پروژه سیاسی مستقلی را تعقیب نمی‌کند، این مسأله را ساخته است. چنین چیزی را هم واکنشگتن به خوبی می‌دانند. بدین ترتیب معلوم می‌گردد که چرا ناتو با توجه به این که پس از انفجار بلوک شرق علت وجودی خود را از دست داده، باقی مانده است. در حال حاضر هم ناتو به خود اجازه می‌دهد تا به نام «جامعه بین‌المللی» صحبت کند و در عین حال آن پرسنپ‌های دمکراتیکی که جامعه مذکور خود را در چارچوب سازمان ملل به آن مقید می‌دانند را خنثی سازد. ناتو در حال حاضر از جنگ خلیج فارس تا کووود در خدمت اهداف واکنشگتن قرار دارد. قدرت‌های «سه قطب» (به رهبری

همسئزی خواهد داد و بدین صورت توسط نیروهای حاکم مورد استفاده قرار خواهد گرفت؟ یا مبارزات اجتماعی نیروهای حاکم را، چنان در تنگنا قرار خواهد داد که آنها را مجبور به دادن امتیازات می‌کند؟

قرن ۲۱ مطمئناً تکرار ساده قرن ۲۰ نخواهد بود. تاریخ تکرار نمی‌شود. جوامع امروزی در تمام عرصه‌ها با چالش‌های جدیدی مواجه خواهند گشت. اما دقیقاً بدان جهت که تضادهای ذاتی کاپیتالیسم در پایان قرن شدیدتر از آغاز آن هستند و از آنجائی که نیروهای مخرب امروزه بسی بزرگتر از گذشته می‌باشند، تنها چیزی را که می‌توان در مورد قرن ۲۱ دانست همانا اترناتیو بین «سوسیالیسم یا بربریت» است. ☐

«در سال ۱۹۵۵ کنفرانسی از کشورهای آسیائی و آفریقائی در شهر باندونگ اندونزی برگزار گردید. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس به کنفرانس باندونگ مشهور است. مخالفت شدید خود را با استعمار اعلام نمودند. ☐

**ارکان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**  
دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

بهروز خلیق

شورای سردبیری

فریدون احمدی

بهزاد کریمی

علی مختاری

به همین خاطر یکی از مهمترین سئوال‌ها این است که، منازعات و مبارزات اجتماعی (تفاوت بین این دو مهم است) در آینده چگونه بیان خواهند گردید؟ پیروزی از آن چه کسی خواهد بود؟ آیا اختلافات بین کشورها جای خود را به

